



مرکز تحقیقات اسلامی

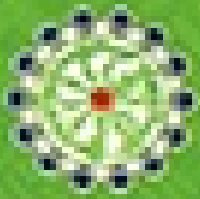
اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مجلس شورای اسلامی ایران



در مکتب اهل بیت علیهم السلام

جلد ۲۲

برتری امام علی (ع) بر صحابه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برتری امام علی علیه السلام بر صحابه

نویسنده:

عبدالرحیم موسوی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	برتری امام علی علیه السلام بر صحابه
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۶	سخن مجمع
۲۰	مقدمه
۲۰	اشاره
۲۴	حال نگاه بیندازید و ببینید:
۲۸	برتری امام علی (علیه السلام) بر صحابه
۲۸	اشاره
۳۰	بخش اول: فرازهایی از شخصیت امام علی (علیه السلام)
۳۰	اشاره
۳۰	۱- تجلی بُعد علمی شخصیت امام علی (علیه السلام)
۳۴	۲- تجلی بُعد ایمانی امام علی (علیه السلام)
۳۹	۳- جهاد حضرت علی (علیه السلام)
۴۳	۴- جلوه هایی از شخصیت اخلاقی امام علی (علیه السلام)
۵۶	۵- حلم و بردباری علی (علیه السلام)
۵۸	بخش دوم: آیاتی که فقط در باره امام علی (علیه السلام) نازل شده اند
۷۴	بخش سوم: روایاتی که صراحتاً برتری علی (علیه السلام) بر صحابه را تأکید می کند
۷۴	اشاره
۷۹	برخی از خصوصیات و ویژگی های انحصاری حضرت علی (علیه السلام)
۸۲	بخش چهارم: تلقی و برداشت صحابه از شخصیت علی (علیه السلام)
۸۲	اشاره
۸۳	۱- خلیفه اول

۸۶	۲- خلیفهٔ دوّم
۸۸	۳- خلیفهٔ سوّم
۸۹	۴- ابن عبّاس
۹۰	۵- ابن مسعود
۹۱	۶- عدی بن حاتم
۹۲	۷- ابو سعید خدری
۹۲	۸- عایشه
۹۲	۹- عطا
۹۳	۱۰- سعید بن مسیب
۹۳	۱۱- معاویه بن ابی سفیان
۹۴	۱۲- سعید بن غفله
۹۴	۱۳- ابن عمر
۹۶	بخش پنجم: ویژگیهای انحصاری علی (علیه السلام) در بین اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۹۶	اشاره
۹۶	ویژگی اول: مقابلهٔ قرآن کریم با دشمنان علی (علیه السلام)
۱۰۲	ویژگی دوّم: آینده نگری پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به پشتیبانی از خطّ امامت
۱۰۸	ویژگی سوّم: اخبار غیبی و کرامات امام علی (علیه السلام)
۱۱۵	خلاصهٔ بحث
۱۱۷	درباره مرکز

سرشناسه: موسوی، عبدالرحیم، ۱۳۴۲ -

عنوان قرارداد: افضلیه الامام علی علیه السلام علی الصحابه . فارسی

عنوان و نام پدید آور: برتری امام علی علیه السلام بر صحابه [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالرحیم موسوی؛ مترجم حسین علی عربی؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۰۹ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۲۲.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۹۲-۶

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- فضایل

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- فضایل -- احادیث

شناسه افزوده: عربی، حسینعلی، ۱۳۴۹ - ، مترجم

شناسه افزوده: نصیری، امرالله ، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: BP۳۷/۴ م/۷۶۳ الف ۷۰۴۱ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۸۲۷۵

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

برتری امام علی علیه السلام بر صحابه

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالرحیم موسوی

مترجم حسین علی عربی

ص: ۴

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت]... معرفی مکتب اهل بیت است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق رحمه الله، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سای وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطب ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لب پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیس دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اّتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران اّمت و برآحاد جامع اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتّفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب هم مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمّد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؛

- ما که بزرگ ترین موفّقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلم توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؛

- ما که خطبه های غزّای توحیدی مولی الموحّدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؛

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الْمَدَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با هم این اوصاف، به صورت جاهلان و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم كيف يحكمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطب علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحن حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، سباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی (علیه السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد - چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصار انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود! اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمین اعتقادات و معارف حقّه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لااله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموع فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموع «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوین قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجم فارسی آن توسط ادار ترجم

ص: ۱۹

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱ - ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲ - سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳ - ۵ - سید عبدالرحیم موسوی رحمه الله، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶ - ۹ - شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰ - ۱۳ - سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

دلایل افضل بودن حضرت علی(علیه السلام) تنها به تلاش پیامبر(صلی الله علیه و آله) و سخنان گوهر بار او، محدود نمی شود بلکه آیات زیادی از قرآن کریم نیز در این باره نازل شده است تا در کنار سخنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) سندی دیگر بر افضلیت آن حضرت باشد.

با بررسی روایات وارد شده این حقیقت کاملاً آشکار می شود که حضرت علی(علیه السلام) از همه اصحاب برتر است لکن این برتری، فقط در مقام مقایسه نمی باشد بلکه دایره آن وسیع تر از این معناست.

در واقع، محتوا و مضمون این نصوص، می رساند که حضرت علی(علیه السلام) به سبب برخورداری از صفات نفسانی قدسی، تنها انسانی است که بعد از پیامبر(صلی الله علیه و آله) شایستگی تصدی منصب امامت را دارد.

اگر ما، دیدگان خود را بر عصمت و علم حضوری امام علی(علیه السلام) فرو بندیم، باز نمی توانیم فضایل ایشان را پوشیده داریم.

حضرت علی(علیه السلام) حتی بر اساس معیارهای مکتب خلفا که ایشان را تنها یک صحابی می دانند- به سبب برخورداری از علم و دانش و صفات فردی و اجتماعی، برتر از دیگر یاران پیامبر است، بدین رو، مطالبی پیرامون افضلیت امام علی(علیه السلام) بر صحابه را طی بخشهای متعدد، بیان می کنیم.

اشاره

رفتار و صفات الهی امام علی (علیه السلام) برای ما به عنوان نمونه یک انسان کامل الهی والگویی نیکو مطرح است. رسیدن به کنه شخصیت وجودی آن حضرت، از طریق بررسی بعضی از تجلیات علمی و اخلاقی ایشان ممکن نیست لکن اگر کسی برخی از تجلیات و ویژگیهای حضرت علی (علیه السلام) را بشناسد، همین مقدار، برای حکم کردن به برتری ایشان بر دیگر اصحاب، کفایت می کند، آن هم نه در زمینه ای معین و مشخص بلکه در همه زمینه ها به صورتی که کاملاً یقین می شود هیچ یک از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) مانند آن حضرت نیستند. در این جا مناسب است که به برخی از تجلیات شخصیتی آن حضرت اشاره شود.

۱- تجلی بُعد علمی شخصیت امام علی (علیه السلام)

از مسلمات تاریخ است که حضرت علی (علیه السلام) از تمامی صحابه اعلم بود و به درجه ای از کمال علمی دست یافته بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در باره آن حضرت فرمود:

«من شهر علم هستم و علی دروازه آن است». (۱)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) این سخن را درباره هیچ یک از اصحاب نفرمود. این سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با سخن حضرت علی (علیه السلام) تأکید می شود که فرمود:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هزار باب علم را به من آموخت که از هر باب هزار باب، برایم گشوده می شود». (۲)

امام علی (علیه السلام) به وسیله علم الهی - که از اختصاصاتش بود - بر دیگران برتری دارد. آن حضرت در این رابطه می فرماید:

«اگر پرده های غیب برایم کنار زده شود، یقینم افزایش پیدا نمی کند». (۳)

طبق بیان صریح آن حضرت، علمی که او حمل می کند، بی شمار است و هیچ یک از اصحاب، توانایی حمل آن را ندارند:

«به درستی که در این جا دریای خروشان علم وجود دارد، ای کاش! برای آن، حاملانی می یافتیم - و به سینه مبارکش اشاره کرد». (۴)

این سخنان، به روشنی دلالت دارد که امام علی (علیه السلام) به درجه ای از علم رسید که برای هیچ کس به جز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدن به آن ممکن نیست؛ از این رو، حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

ص: ۲۴

۱- (۱) - المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۲۶؛ سنن ترمذی: ۵/ ۶۳۷.

۲- (۲) - کنز العمال: ۱۳/ ۱۱۴.

۳- (۳) - مناقب ابن شهر آشوب: ۲/ ۳۸؛ ارشاد القلوب: ۲/ ۱۴؛ بحار الأنوار: ۴۰/ ۱۵۳.

۴- (۴) - نهج البلاغه/ قصار الحكم: ۱۴۷.

«در علمی که پنهان است، فرو رفته ام و اگر آن را ظاهر کنم، هر آینه شما مضطرب و لرزان می شوید، مانند لرزیدن ریسمان در چاه عمیق».^(۱)

ابی طفیل می گوید:

«علی (علیه السلام) را دیدم که می گفت: از من سؤال کنید، به خدا قسم! درباره چیزی از من سؤال نمی کنید، مگر این که شما را آگاه کنم. درباره کتاب الهی از من سؤال کنید، به خدا سوگند! آیه ای از کتاب خدا وجود ندارد، مگر این که من به آن آگاهم که در شب، یا روز و در دشت، یا کوه نازل شده است».^(۲)

اما صحابه دیگر، چنین نیستند. خلیفه اول می گوید:

«... چه کنم! اگر درباره حرفی از کتاب خدا سخنی بگویم که خداوند آن را اراده نکرده باشد».^(۳)

سعید بن مسیب می گوید:

«هیچ کدام از اصحاب پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) ادعا نکرد که هر چه می خواهید از من سؤال کنید مگر علی (علیه السلام)».^(۴)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بارها بر افضل بودن و برتری علمی حضرت علی (علیه السلام) بر سایر اصحاب گواهی داده اند که به بعضی از آنها اشاره می شود:

ص: ۲۵

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۵.

۲- (۲) - فتح الباری: ۸ / ۴۵۹؛ کنز العمال: ۱۳ / ۱۸۵.

۳- (۳) - الرياض النضرة: ۳ / ۱۶۶؛ مستدرک حاکم: ۳ / ۱۲۴؛ اسد الغابه: ۴ / ۲۲.

۴- (۴) - الرياض النضرة: ۳ / ۱۶۶؛ ينابيع المودّة: ۲۸۶؛ ذخائر العقبی: ۸۳.

الف- پیامبر(صلی الله علیه و آله) به حضرت فاطمه(علیها السلام) فرمود:

«تو را به ازدواج کسی در آوردم که بهترین ائمت من است. او دانشمند ترین آنان است. او بردبارترین آنان و اولین آنان در پذیرش اسلام است».^(۱)

ب- «دانشمند ترین ائمت من بعد از من، علی ابن ابی طالب است».^(۲)

ج- «علی، وارث علم من و وصی من است و او در ورود به من است».^(۳)

د- «علی در علم من و بیان کننده آنچه برای آن فرستاده شدم، است».^(۴)

ه- «دانشمند ترین ائمت من به سنت و داوری بعد از من، علی ابن ابی طالب است».^(۵)

و- «ای علی! تو برای ائمت بیان می کنی آنچه را که بعد از من، در آن اختلاف کنند».^(۶)

ص: ۲۶

۱- (۱) - مسند احمد: ۲۶ / ۵.

۲- (۲) - مناقب خوارزمی: ۴۹، تحقیق محمودی؛ کنز العمال: ۱۱ / ۶۱۴، ح ۳۲۹۷۷.

۳- (۳) - کفایه الطالب: ۹۲ و ۷۰؛ شمس الاخبار: ۲۹.

۴- (۴) - کنز العمال: ۶ / ۱۵۶؛ کشف الخفاء: ۱ / ۲۰۴.

۵- (۵) - الرياض النضرة: ۲ / ۱۹۴؛ مناقب خوارزمی: ۴۸؛ تذکره الخواص: ۸۷، فیض القدير: ۴ / ۲۵۷؛ تفسیر نیشابوری، سوره احقاف.

۶- (۶) - مستدرک حاکم: ۲ / ۱۲۲؛ میزان الاعتدال، ذهبی: ۱۰ / ۴۷۲؛ ینابیع الموده: ۲۰۳.

ز- «ای ابا الحسن! علم، گوارای تو باد! به تحقیق تو علم را نوشیدی و از آن سیراب شدی». (۱)

۲- تجلی بُعد ایمانی امام علی (علیه السلام)

حضرت علی (علیه السلام) در این بخش از زندگانی، بُعد معنوی والایی از خود ارائه می دهد و تصویری بسیار عالی برای نسلهای آینده ترسیم می کند که در آن، گوی سبقت را از همگان ربوده است.

ایمان قوی امیر مؤمنان (علیه السلام) امتیاز منحصر به فرد آن حضرت است که به صورتهای گوناگون متبلور شده است. آن حضرت، نمونه عالی در عبادت می باشد.

در تفسیر آیه شریفه: ... تَرَاهُمْ رُكْعًا سَّجِدًا...؛ (۲) آنان را در حال رکوع و سجود می بینی، وارد شده که درباره حضرت علی (علیه السلام) نازل شده است. (۳)

امام (علیه السلام) در این باره فرمود:

«هفت سال قبل از دیگران با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نماز به جای آوردم و اولین کسی هستم که با آن حضرت، نماز گزاردم». (۴)

ص: ۲۷

۱- (۱) - مناقب ابن مغزلی: ۴۲۰؛ تاریخ ابن عساکر: ۴۹۸ / ۲.

۲- (۲) - فتح (۴۸): ۲۹.

۳- (۳) - شواهد التنزیل: ۱۸۳ / ۲؛ تفسیر الکاشف: ۴۶۹ / ۳؛ روح المعانی: ۱۱۷ / ۱۶.

۴- (۴) - تذکره الخواص: ۶۳.

و نیز فرمود:

«کسی از این ائمت را نمی شناسم که بعد از پیامبر(صلی الله علیه و آله) مانند من، خدا را عبادت کرده باشد». (۱)

و در جای دیگر می فرماید:

«قبل از مردم، اسلام را پذیرفتم و قبل از این که نماز بگذارند، نماز به جای آوردم». (۲)

امام علی(علیه السلام) عابدترین مردم بود و در کثرت نماز و روزه از همگان پیشی گرفته بود. مردم، نماز شب و مداومت بر ذکر و به جای آوردن نمازهای مستحبی را از او فرا می گرفتند.

ابن ابی الحدید می نویسد:

«آن حضرت به جهت محافظت و مداومت بر راز و نیاز با خداوند؛ در لیلۀ الهیر بین دو لشکری که در حال جنگ بودند، پوستی گسترانید و مشغول نماز شد؛ در حالی که تیرها از راست و چپش می گذشت لکن هیچ گونه اضطرابی برای او پیش نیامد و نماز را ادامه داد تا آن را تمام کرد. به راستی تصوّر شما از چنین انسانی چیست؟ گمان شما درباره کسی که پیشانی اش بر اثر سجده های طولانی پینه بسته بود، چیست؟». (۳)

او در ادامه می نویسد:

ص: ۲۸

۱- (۱) - خصائص امیر المؤمنین، نسائی: ۴۶.

۲- (۲) - شرح نهج البلاغه: ۱ / ۱۰.

۳- (۳) - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۱ / ۲۷.

«از علی بن حسین (علیهما السلام) - که در عبادت به نهایت رسیده بود- سؤال شد: عبادت شما نسبت به عبادت جدّت به چه مقدار است؟ فرمود: عبادت من نسبت به عبادت جدّم، مانند عبادت جدّم نسبت به عبادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.» (۱)

ابعاد دیگر ایمان امام علی (علیه السلام) آن حضرت را در قلمه پاکی و برخورداری از اخلاق الهی قرار داده است. او همان الگوی صدیقان می باشد که قرآن در صدد بیان آن است:

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصّٰدِقُونَ... (۲)

«کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند؛ آنان صدیقان می باشند.»

این آیه بر طبق روایت احمد بن حنبل و در باره حضرت علی (علیه السلام) نازل شده است. (۳)

در قرآن کریم، آیات زیادی وجود دارد که گواهی می دهد امام علی (علیه السلام) مصداق بارز «ایمان» است. خداوند می فرماید:

ص: ۲۹

۱- (۱) - شرح نهج البلاغه / ابن ابی الحدید: ۹ / ۱.

۲- (۲) - حدید (۵۷): ۱۹.

۳- (۳) - الفضائل من فضائل علی*: ح ۳۳۹ و ۱۵۴؛ الرياض النضرة: ۲ / ۱۵۳؛ كنز العمال: ۶ / ۱۵۲؛ فیض القدیر: ۴ / ۱۳۷؛ الدر المنثور: ۵ / ۲۶۲.

أَجْعَلْتُمْ سَمَائَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . (۱)

«آیا سیراب کردن حجّاج و آباد ساختن مسجد الحرام را همانند عمل کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ این دو، نزد خدا مساوی نیستند و خداوند، گروه ظالمان را هدایت نمی کند».

این آیه و آیات بعد از آن، در باره امام علی (علیه السلام) نازل شده است و آن هنگامی بود که طلحه بن شیبه و عبّاس به مباحثات پرداختند؛ طلحه گفت:

«من به خانه خدا سزاوارترم؛ زیرا کلید دار آن هستم».

عبّاس در جواب او گفت:

«من سزاوارترم؛ زیرا آب رسانی به حجّاج را به عهده دارم».

در این میان حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«من اولین کس از مردم هستم که ایمان آوردم و از همه بیشتر جهاد کردم».

آنگاه خداوند این آیه را در بیان افضل بودن حضرت علی (علیه السلام) نازل کرد: (۲)

ص: ۳۰

۱- (۱) - توبه (۹): ۱۹.

۲- (۲) - الدرّ المنثور: ۳/ ۳۱۹ و ۳۱۸؛ تفسیر ابن کثیر: ۲/ ۲۴۱؛ تفسیر طبری: ۱۰/ ۶۸؛ تفسیر کبیر: ۱۶/ ۱۰؛ جامع الاصول: ۹/

۴۷۷؛ اسباب النزول، واحدی: ۱۳۹.

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ . (۱)

«آیا کسی که با ایمان باشد، همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو، برابر نیستند».

مراد از «مؤمن»، حضرت علی (علیه السلام) و مراد از «فاسق»، ولید است. (۲)

و در آیه دیگر می فرماید:

... وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ ... (۳)

«و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خداوند مقرر داشته، اولی هستند».

مفسران، اتفاق نظر دارند که مراد از ((مؤمن))، مهاجر و خویشاوند در آیه شریفه، حضرت علی (علیه السلام) است. (۴)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) تسلیم بودن حضرت علی (علیه السلام) را در برابر شریعت و تعالیم آن و پیشینه ایشان را در اسلام، بارها بیان کرده است. آن

ص: ۳۱

۱- (۱) - سجده (۳۲): ۱۸.

۲- (۲) - تفسیر طبری: ۶۸/۲۱؛ تفسیر ابن کثیر: ۳/۴۶۲؛ فتح القدر: ۴/۲۴۷؛ اسباب النزول: ۲۶۳؛ ذخائر العقبی: ۸۸؛ شواهد التنزیل: ۱/۴۴۴؛ أنساب الأشراف بلاذری: ۱/۱۶۲، تاریخ دمشق: ۶۱/۱۹۹.

۳- (۳) - احزاب (۳۳): ۶.

۴- (۴) - مناقب ابن مردویه و صاحب کتاب احقاق الحق در جلد ۳، صفحه ۴۱۹ آن را از کتاب مناقب المرتضوی ترمذی، صفحه ۶۲ نقل می کند. مفسران اتفاق دارند که آیه در باره علی* نازل شده است؛ زیرا او مؤمن، مهاجر و پسر عموی رسول خدا بوده است.

حضرت، به واسطه برخورداری از ایمان قوی و محکم، توانایی حل مشکلات و سختیها را داشت.

از ابوذر روایت شده است:

«بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شدیم و عرض کردیم: چه کسی از اصحاب نزد شما محبوب تر است تا اگر امری پیش آید، با او باشیم و اگر شدت و سختی پیش آید، به ما برسد، نه به او؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: تسلیم بودن و اسلام علی (علیه السلام) بیش از همه شما است».^(۱)

در ارتباط با ایمان حضرت علی (علیه السلام) به همین مقدار اکتفا می کنیم.

۳- جهاد حضرت علی (علیه السلام)

بعد جهادی امام علی (علیه السلام) مسأله روشنی است و نیاز به بحث و اثبات ندارد؛ زیرا مسلمانان و حتی غیر مسلمانان در این که آن حضرت، شجاع ترین اصحاب بود، اختلاف ندارند. حضور ایشان در میدانهای جهاد، بیشتر از دیگران بود؛ گرچه شجاعت و علاقه به جهاد، در سیره اصحاب روشن است لکن ارزش آن نزد حضرت علی (علیه السلام) بیشتر بود؛ زیرا در کوران سختیهای جنگ و هنگامی که برخی از اصحاب، عقب نشینی می کردند و یا نمی توانستند پیشروی کنند، آن حضرت برای

ص: ۳۲

۱- (۱) - مناقب مرتضوی ترمذی: ۹۵؛ کنز العمال: ۶ / ۳۹۵ روایت را از ابن عباس نقل می کند.

شکستن حلقه محاصره مسلمانان، اقدام می کرد. گواه سخن ما جنگهای بدر، احزاب، خیبر، حنین و... است که مسلمانان با مشرکان، یا اهل کتاب، درگیر بودند و حضرت در همه آنها شرکت داشت.

حسن بصری در باره آیه: ... فَاسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ...؛ [\(۱\)](#) «پس محکم و به پای خود ایستاد»، می گوید:

«اسلام، با شمشیر علی (علیه السلام) استوار گشت». [\(۲\)](#)

ابو هریره می گوید:

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در جنگ خیبر فرمود: پرچم را به مردی خواهم داد که خداوند و پیامبرش را دوست دارد و خداوند به وسیله او قلعه را می گشاید. عمر گفت: قبل از آن روز، من به فرماندهی علاقه ای نداشتم (کنایه از این است که فرماندهی در نظر او محبوب گشت به این امید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرچم را به دست او دهد) لکن پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن را به علی (علیه السلام) داد و به او فرمود: پشت نکن. علی (صلی الله علیه و آله) مقداری حرکت کرد و پرسید: بر چه مطلبی با آنان بجنگم؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بر این که شهادت دهند: جز خداوند، پروردگار دیگری نیست و محمد (صلی الله علیه و آله) رسول خدا می باشد. اگر این را انجام دادند، خونها و اموال خویش را حفظ کردند و حساب آنان با خداوند است». [\(۳\)](#)

ص: ۳۳

۱- (۱) - فتح (۴۸): ۲۹.

۲- (۲) - شواهد التنزیل: ۱۸۳/۲؛ تفسیر کشاف: ۴۶۹/۳؛ روح المعانی: ۱۱۷/۱۶.

۳- (۳) - خصائص نسائی: ۵۹.

در جنگ خندق، امام، بهترین مثال یاری از حق را تحقق بخشید و به واسطه آن، از صحابه دیگر متمایز شد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این رویداد عظیم را گرامی و بزرگ شمرد و فرمود:

«همه حق، در علی (علیه السلام) تبلور پیدا کرده است».

هنگامی که عمرو بن عبود عامری در جنگ خندق برای مبارزه از لشکر جدا شد و مسلمانان از رویا رویی با او ناتوان بودند، تنها علی (علیه السلام) اعلام آمادگی کرد تا با او بجنگد و حرکت نمود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«تمامی ایمان، با تمامی کفر، به مبارزه برخاسته است». (۱)

احمد بن حنبل در مسند نقل می کند:

«امام حسن (علیه السلام) بعد از شهادت علی (علیه السلام) در خطبه ای فرمود: دیروز مردی از شما جدا شد که گذشتگان در هیچ علمی بر او پیشی نگرفتند و آیندگان نیز به پای او نخواهند رسید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) با پرچم، او را به جنگ می فرستاد و جبرئیل در سمت راست او و میکائیل در سمت چپ او بودند و باز نمی گشت تا پیروزی برای او به دست آید». (۲)

خوارزمی از عبید الله بن عایشه، از پدرش نقل می کند:

ص: ۳۴

۱- (۱) - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۴ / ۳۴۴.

۲- (۲) - مسند احمد بن حنبل: ۱ / ۱۹۹.

«هنگامی که مشرکان، علی (علیه السلام) را در میدان جنگ می دیدند، وصیتهای خویش را می کردند». (۱)

جابر بن عبد الله می گوید:

«در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی که بازوی علی ابن ابی طالب را گرفته بود، شنیدم که فرمود: این پیشوای نیکو کاران و قاتل گناهکاران است. کسی که او را یاری کند، یاری می شود و کسی که یاری او را ترک کند، خوار شود. سپس صدای خود را بلند کرد و فرمود: من شهر علمم و علی دروازه آن است؛ کسی که بخواهد وارد شهر علم شود، از درب وارد گردد». (۲)

ابن عباس می گوید:

«پرچم مهاجران در جنگهای: بدر، احد، خیبر، احزاب و فتح مکه به دست علی (علیه السلام) بود و همواره در همه جنگها پرچمدار بود». (۳)

امام علی (علیه السلام) درباره همراهی خویش با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به هنگامی که برای شکستن بتها حرکت کردند، می فرماید:

«با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حرکت کردم تا به کعبه رسیدیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر دوش من سوار شد، سپس فرمود: برخیز، من هم برخاستم. وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ضعف مرا مشاهده کرد، به من گفت: بنشین، من هم نشستم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) پایین آمد و نشست و به من فرمود: بر دوش من

ص: ۳۵

۱- (۱) - مناقب ابن مغزلی: ۱۰۶ و ۷۲.

۲- (۲) - تاریخ مدینه دمشق: ۴۲ / ۳۸۳.

۳- (۳) - تاریخ طبری: ۲ / ۱۳۸.

سوار شو. بر دوشهای پیامبر(صلی الله علیه و آله) سوار شدم و او بلند شد. این تصوّر برایم پیش آمد که اگر بخواهم، به افق آسمان هم می توانم دست یابم. بر بالای کعبه رفتم که بر آن مجسمه ای از مس بود. از راست، چپ، جلو و از پشت سر، به از بین بردن آن پرداختم تا این که بر آن چیره شدم. پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: آن را پایین بینداز، آن را انداختم و مانند ظرف شیشه ای شکست». (۱)

تمام ابعاد شخصیت الهی گونه حضرت علی(علیه السلام) در شباهتهایی خلاصه می شود که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بین او و پیامبران قرار داده بود. پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود:

«اگر کسی بخواهد آدم(علیه السلام) را در علمش، نوح(علیه السلام) را در عزّتش، ابراهیم(علیه السلام) را در بردباری اش، موسی(علیه السلام) را در هیبتش و عیسی(علیه السلام) را در زهدش ببیند، به علی ابن ابی طالب نگاه کند». (۲)

۴- جلوه هایی از شخصیت اخلاقی امام علی(علیه السلام)

برتری حضرت علی(علیه السلام) بر سایر اصحاب، منحصر به اموری نیست که ذکر شد بلکه او به سبب تلاش برای عیّت بخشیدن به ارزشهای مکتبی و مفاهیم اخلاقی، الگو و اسوه همگان بود؛ الگویی که موجب برانگیختن عزم و اراده در نفوس اصحاب می شد تا آنان نیز این ارزشها

ص: ۳۶

-
- ۱- (۱) - خصائص نسائی: ۱۱۳؛ مستدرک حاکم: ۲/ ۳۶۶؛ مسند احمد: ۱/ ۸۴؛ کنز العمال: ۶/ ۴۰۷؛ الرياض النضرة: ۲/ ۲۰۰؛ تاریخ بغداد: ۱۳/ ۳۰۲؛ ذخائر العقبی: ۸۵.
 - ۲- (۲) - ینابیع المودّه، قندوزی، باب ۴۰.

را در خود متبلور سازند. این تلاش، مورد ستایش خدای سبحان قرار گرفت. شایسته است در این جا به بخشی از اخلاق آن حضرت که از امتیازات او نسبت به دیگران است و در قرآن آمده اشاره شود:

۱- خداوند می فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ . (۱)

«برخی از مردم جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند».

این آیه در باره امام علی (علیه السلام) نازل شده است؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگامی که به مدینه هجرت کرد، علی (علیه السلام) را برای ادای قرضهایش و پس دادن امانتها در مکه باقی گذاشت. او آن شب در رختخواب پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوابید. مشرکان خانه را محاصره کردند. خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی کرد:

«من بین شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی از شما را بیشتر از دیگری قرار دادم، کدام یک از شما حیات را برای رفیق خود بر می گیرید؟».

هر کدام از آنان زندگی و حیات را برای خود انتخاب کردند. خداوند به آنان وحی کرد: چرا مانند علی ابن ابی طالب نشدید؟ من بین او و محمد (صلی الله علیه و آله) برادری برقرار کردم و او در رختخواب پیامبر خوابید تا

ص: ۳۷

جانش را فدای او کند و حیات او را بر حیات خویش ترجیح داد. به زمین فرود آید و او را از دشمنش حفظ کنید، پس نازل شدند و جبرئیل، کنار پاهای او بود و می گفت: مبارک باد! مبارک باد! بر تو ای فرزند ابی طالب! خداوند به وسیله تو بر فرشتگان مباحثات می کند. (۱)

۲- وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا . (۲)

«و غذای خود را با این که به آن علاقه دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می دهند (و می گویند): ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم».

اهل سنت، روایت کرده اند که امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) بیمار شدند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) با جمعی از یاران از آنان عیادت کردند. حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) و فضه (خادمه آنان) نذر کردند که اگر آن دو شفا یابند، سه روز، روزه بگیرند و چون در خانه آنان مواد غذایی یافت نمی شد، امام علی (علیه السلام) سه من جو، قرض گرفت. فاطمه (علیها السلام) یک صاع (من) آن را آرد کرد و برای هر نفر، یک عدد نان پخت. حضرت علی (علیه السلام) نماز مغرب را که خواند، به خانه آمد. می خواستند افطار کنند، مسکینی آمد و از آنان غذا طلبید، سهم خود را به او دادند و آن شب، جز آب نوشیدند.

ص: ۳۸

-
- ۱- (۱) - اسد الغابه: ۲۵ / ۴؛ شواهد التنزیل: ۹۸ / ۱؛ مستدرک الحاکم: ۱۳۲ / ۳؛ نور الابصار: ۸۶؛ ینابیع الموده: ۹۲؛ تفسیر کبیر: ۲۰۴ / ۵؛ مسند احمد: ۳۳۱ / ۱؛ تفسیر طبری: ۱۴۰ / ۹؛ سیره نبویه، دحلان که در حاشیه سیره حلبیه قرار دارد: ۳۰۷ / ۱.
- ۲- (۲) - انسان (۷۶): ۸-۹.

روز دؤم را هم روزه گرفتند. فاطمه (علیها السلام) یک صاع دیگر نان پخت. موقع افطار وقتی غذا آماده شد، یتیمی آمد و از آنان درخواست غذا کرد، آنان نیز ایثار کردند و غذای خود را به او دادند.

در سومین روز که روزه بودند و غذا آماده شده بود، اسیری آمد و از آنان درخواست غذا نمود. باز هم آنان سهم غذای خود را به او دادند و در این سه، روز چیزی جز آب نوشیدند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز چهارم، به خانه علی (علیه السلام) آمد. حسن و حسین (علیهما السلام) را مشاهده کرد که از گرسنگی، می لرزیدند و شکم فاطمه (علیها السلام) از شدت گرسنگی به پشت چسبیده و چشمهایش به گودی نشسته بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«خدایا! به فریاد برس، آیا خانواده محمد از گرسنگی بمیرند؟».

در همین هنگام، جبرئیل نازل گشت و گفت:

«ای محمد! بگیر، آنچه را که خداوند به وسیله آن به تو درباره خاندانت تهنیت گفته است.».

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«ای جبرئیل! چه را بگیرم؟».

جبرئیل، سوره «هل اتی» را بر او خواند. [\(۱\)](#)

ص: ۳۹

۱- (۱) - تفسیر کشاف: ۶۷۰/۴؛ اسد الغابه: ۵۳۰/۵؛ اسباب النزول، واحدی: ۳۳۱؛ الدر المنثور: ۶/۲۹۹؛ ذخائر العقبی: ۱۰۲ و ۸۹؛ نور الابصار: ۱۰۲؛ روح المعانی: ۱۵۷/۲۹؛ فتح القدر: ۳۳۸/۵؛ شرح نهج البلاغه/ ابن ابی الحدید: ۷/۱؛ تفسیر بیضاوی: ۴/۲۳۵؛ ینابیع الموده: ۹۳؛ شواهد التنزیل: ۲/۲۹۸.

۳- امام علی (علیه السلام) بر بالای منبر بود، در باره تفسیر این آیه از او سؤال شد:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا. (۱)

«در میان مؤمنان، مردانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بسته‌اند، صادقانه ایستاده‌اند؛ برخی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر، در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند».

حضرت در جواب فرمود:

«خدایا! مرا ببخش! این آیه در باره من و عمویم حمزه و پسر عمویم عبیده بن حارث فرزند عبدالمطلب نازل شده است. عبیده در جنگ بدر به شهادت رسید و حمزه در جنگ احد و اما من منتظرم که شقی‌ترین (این امت) این را از خون خضاب کند و با دستش به محاسن و سر مبارکش اشاره کرد. این عهده‌ای است که محبوبم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برایم بیان کرده است».

۴- ... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... (۳)

«خداوند، جمعیتی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند».

ص: ۴۰

۱- (۱) - احزاب (۳۳): ۲۳.

۲- (۲) - نور الابصار، شبلینجی: ۹۷؛ الصواعق المحرقة: ۸۰.

۳- (۳) - مائده (۵): ۵۴.

این آیه نیز در باره امام علی (علیه السلام) نازل گشته است. (۱)

۵- خداوند می فرماید:

... هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ . (۲)

«او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان، تقویت بخشید».

ابو هریره می گوید:

«بر عرش نوشته شده است: هیچ پروردگاری جز خدا نیست. او یگانه است و شریک ندارد. محمد بنده و رسول من است که او را با علی ابن ابی طالب تأیید کردم و این همان سخن خداوند است که می فرماید: هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ . مراد از آن علی ابن ابی طالب است».

۶- خداوند می فرماید:

... هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (۴)

«آیا چنین انسانی، با کسی که امر به عدل و داد می کند و بر راه راست قرار دارد، برابر است؟».

ص: ۴۱

۱- (۱) - تفسیر کبیر: ۲۰/۱۲؛ مستدرک حاکم: ۱۳۲/۳؛ کنز العمال: ۴۲۸/۵ و ۳۹۶/۶ و ۳۹۳ و ۳۹۱.

۲- (۲) - انفال (۸): ۶۲.

۳- (۳) - النور المشتعل / ما نزل من القرآن فی علی، احمد بن عبد الله اصبهانی: ۸۹.

۴- (۴) - نحل (۱۶): ۷۶.

از ابن عباس روایت شده است که آیه در باره علی (علیه السلام) نازل شده است. (۱)

آیه شریفه به بیان «عدالت حضرت علی (علیه السلام)» پرداخته و آن از صفاتی است که حضرت، به موجب آن، بر دیگران برتری پیدا کرده است. عدالت در نظر آن حضرت، معیار وملاک بود. او در روابط اجتماعی خود با دیگران و در منش اخلاقی خویش و دیدگاه هایش، همیشه آن را مراعات می کرد. در آیه دیگری، همین مضمون بیان شده است:

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ . (۲)

«و از آنان که آفریدیم، گروهی به حق، هدایت می کنند و به حق اجرای عدالت می نمایند».

حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«آنان من و شیعیانم هستند». (۳)

۷- خداوند می فرماید:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً... (۴)

«آنان که اموال خود را شب و روز و در نهان و آشکار، انفاق می کنند».

ص: ۴۲

۱- (۱) - شواهد التنزیل: ۱ / ۵۹.

۲- (۲) - اعراف (۷): ۱۸۱.

۳- (۳) - ینابیع الموده: ۱۰۹؛ شواهد التنزیل: ۱ / ۲۰۴.

۴- (۴) - بقره (۲): ۲۷۴.

حضرت علی (علیه السلام) انفاق آگاهانه ای را به تصویر کشید که از نیت پاک او سرچشمه گرفته و مطابق بارضای حق تعالی بود. آن حضرت در مقام انفاق و پرداخت صدقات، شیوه ای را به کار گرفت که در آن، هم آبروی نیازمندان حفظ می شد و هم تشویق و ترغیب مردم به انفاق بود؛ از این رو، قرآن، حضرت علی (علیه السلام) را از این جهت ستایش نمود:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً... .

اهل سنت روایت کرده اند که این آیه در باره علی (علیه السلام) نازل گشته است. آن حضرت، چهار درهم داشت که یک درهم را در شب، و یک درهم را در روز، یک درهم را پنهانی و یک درهم را آشکارا در راه خداوند انفاق کرد. (۱)

۸- خداوند، پیامبرش را به تواضع در برابر مؤمنان فرمان می دهد:

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . (۲)

«بال وپر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، بگستر.»

حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پیروی نمود. آن حضرت، چه در زمانی که حاکم بود و همه قدرت را در دست

ص: ۴۳

۱- (۱) - اسباب نزول واحدی: ۶۴؛ تفسیر کبیر: ۹۸ / ۷؛ الدر المنثور: ۳۶۳ / ۱؛ تفسیر کشاف: ۱۶۴ / ۱؛ تفسیر خازن: ۲۱۴ / ۱؛

ذخائر العقبی: ۸۸؛ أسد الغابه: ۲۵ / ۴؛ الصواعق المحرقة: ۸۷؛ مجمع الزوائد: ۳۳۴ / ۶؛ نور الأبصار: ۷۰.

۲- (۲) - شعراء (۲۶): ۲۱۵.

داشت و چه زمانی که حاکم نبود و نیز در جنگ و صلح، با مؤمنان، برخوردی متواضعانه داشت.

ابن ابی الحدید معتزلی از (صالح کیسه فروش نقل می کند:

«مادر بزرگم با علی (علیه السلام) در حالی که آن حضرت خرما حمل می کرد، در (کوچه های) کوفه برخورد نمود. بر او سلام کرد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! خرما را به من بده تا آن را حمل کنم و به منزل شما ببرم. حضرت فرمود: سرپرست خانواده سزاوارتر است که آن را حمل کند. سپس آن حضرت فرمود: آیا از آن نمی خوری؟ او گفت: نمی خواهم.

آنگاه حضرت آن را به منزلش برد و برگشت، در حالی که با همان لباس بود و پوست خرما روی آن به چشم می خورد و با همان لباس، با مردم نماز جمعه را اقامه کرد». (۱)

۹- عبد الله بن حسن بن حسن می گوید:

«حضرت علی (علیه السلام) با درآمد زحمتهای خودش، هزار بنده را آزاد کرد و موقعی که به خلافت رسید و اموال در دست او بود، حلوایش خرما و لباسش کرباس بود». (۲)

۱۰- زاذان می گوید:

ص: ۴۴

۱- (۱) - شرح نهج البلاغه: ۲/۲۰۲.

۲- (۲) - شرح نهج البلاغه: ۲/۲۰۲.

علی (علیه السلام) در بازار قدم می زد و افراد را راهنمایی و درماندگان را کمک می کرد. هنگامی که به فروشندگان و بقالها می رسید، قرآن را برای آنان می گشود و این آیه را می خواند:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ . (۱) و (۲)

«ما این دار (بهشت ابدی) آخرت را برای آنان که در زمین، اراده علو و فساد و سرکش ندارند، مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت، خاصّ پرهیزکاران است».

۱۱- درباره صبر امام علی (علیه السلام) است که آن حضرت در شورای خلافت، استدلال کرد که در برابر ضایع شدن حقش (خلافت) صبر نموده است.

ابی طفیل عامر بن واثله می گوید:

«روزی که شورای خلافت تشکیل شد، من پشت درب بودم، ناگهان فریادها بلند شد. شنیدم علی (علیه السلام) می گفت: مردم با ابو بکر بیعت کردند، در حالی که من به خلافت از او سزاوارتر و شایسته تر بودم لکن شنیدم و اطاعت کردم، به جهت این که می ترسیدم مردم مرتد شوند و همدیگر را با شمشیر بکشند. سپس مردم با عمر بیعت کردند و من به خدا سوگند! از او سزاوارتر و شایسته تر بودم لکن شنیدم و اطاعت کردم، به جهت این که ترس داشتم مردم مرتد گردند و یکدیگر را بکشند و حال شما می خواهید

ص: ۴۵

۱- (۱) - قصص (۲۸): ۸۳.

۲- (۲) - مناقب ابن شهر آشوب: ۱۰۴/۲.

با عثمان بیعت کنید؟ من نه می شنوم و نه اطاعت می کنم. عمر مرا با پنج نفر قرار داد و من ششمین آنان هستم، نه او و نه آنان هیچ گونه فضیلتی را در اصلاح (امور) برایم قایل نیستند. او همه ما را در این امر برابر قرار داد. به خدا سوگند! اگر بخواهم سخن بگویم، نه عرب و نه عجم و نه هم پیمان و نه مشرک، توانایی ندارند که یک صفت را رد کنند.

سپس فرمود: شما را به خدا قسم می دهم! آیا در میان شما کسی به غیر از من، برادر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هست؟ گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما عمویی مانند عمویم حمزه بن عبد المطلب، شیر خدا و شیر پیامبرش دارد؟ گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما، برادری مانند برادرم جعفر دارد که با دو بال زینت داده شد و همراه فرشتگان در بهشت پرواز می کند؟ گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما همسری مانند همسرم فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سرور زنان این امت دارد؟ گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما جز من، فرزندی مانند حسن و حسین، فرزندان این امت و فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دارد؟ گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما قبل از من، مشرکان قریش را کشته است؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما قبل از من، خدا را به یگانگی یاد کرده است؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا خداوند به دوستی کسی از شما جز من، امر کرده است؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما قبل از من، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را غسل داده است؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما جز من هست که در مسجد منزل گزیده و با جنابت از آن بگذرد؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما هنگامی که پرنده بریان شده برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آوردند و او به شگفت آمد، درباره او گفته است: ای خدا! محبوب ترین خلق خودت را نزد من بیاور تا با من این پرنده را بخورد. من آمدم و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شدم در حالی که از سخن او بی اطلاع بودم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بیا این مرغ را بخور که محبوب ترین خلق خدا هستی؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا در هر سختی که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد می شود، کسی از شما کشنده تر از من برای مشرکان بود؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی از شما جز من، بی نیاز کننده تر، برای رسول خدا بود؛ هنگامی که در رختخواب او خوابیدم و او را با فداکاری خویش حفظ کردم و خود گذشتگی برای او کردم؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا کسی در میان شما وجود دارد که خداوند نور او را در آسمان تمام کرده باشد و بفرماید: **فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ...؟** [\(۱\)](#) پس حق نزدیکان را ادا کن؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا جز من کسی در میان شما وجود دارد که شانزده بار با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نجوا کرده باشد؛ هنگامی که این آیه نازل شد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ... (۲)

«ای کسانی که ایمان آوردید! هنگامی که می خواهید با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نجوا کنید (وسخنان در گوشی بگویید) قبل از آن، صدقه ای (در راه خدا) بدهید؟»

ص: ۴۸

۱- (۱) - روم (۳۰): ۳۸.

۲- (۲) - مجادله (۵۸): ۱۲.

گفتند: نه، به خدا!

فرمود: آیا جز من کسی در میان شما هست که عهده دار بستن چشم رسول خدا(صلی الله علیه و آله) (در لحظات آخر عمر) باشد؟

گفتند: نه.

فرمود: آیا جز من، کسی در میان شما هست که آخرین ملاقات را با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) داشته باشد تا این که او را در قبرش بگذارد؟

گفتند: نه». (۱)

با وجود همه این فضیلتها و صفات عالی که در آن حضرت وجود داشت او برای خدا و در راه خدا صبر کرد تا کارهای مسلمین پراکنده نگردد و آنان مرتد نشوند و یکدیگر را نکشند. این صبر، از بهترین صبرها و در نزد خدا دارای پاداش عظیم و همیشگی است.

۵- حلم و بردباری علی(علیه السلام)

آن حضرت، بردبارترین مردم در گذشتن از گناه دیگران و بخشنده ترین آنان در چشم پوشیدن از بدیهای دیگران بود. او در برابر نادانی مردم صبور و خوشتندار بود. آن حضرت، نماد صبر و بردباری است. پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) می گوید:

«اگر حلم و بردباری به صورت مردی ظاهر می شد، هر آینه او علی بود». (۲)

ص: ۴۹

۱- (۱) - فرائد السمطين: ۱ / ۳۱۹، شماره ۲۵۱.

۲- (۲) - فرائد السمطين: ۲ / ۶۸، شماره ۳۹۲.

در جنگ جمل وقتی به مروان بن حکم دست یافت، از او گذشت نمود در حالی که وی دشمن ترین و کینه جوترین مردم نسبت به حضرت بود.

عبد الله بن زبیر، آشکارا حضرت را دشنام می داد. او در بصره سخنرانی کرد و گفت:

«این سست عنصر پست! علی ابن ابی طالب به سوی شما آمده است(!!)».

و حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«زبیر، همچنان مردی از ما اهل بیت بود تا این که عبد الله به سنّ جوانی رسید [و باعث گمراهی او شد]».

در جنگ جمل، حضرت بر او چیره شد و او را اسیر کرد لکن او را بخشید و به وی گفت:

«برو، دیگر تو را نبینم».

و دیگر حضرت [بیش از این] چیزی به او نگفت... (۱).

ص: ۵۰

بخش دوم: آیاتی که فقط در باره امام علی (علیه السلام) نازل شده اند

در این بخش، آیاتی بررسی می شود که به بیان افضل بودن آن حضرت بر صحابه پرداخته است؛ نه آیاتی که در باره فضایل آن حضرت نازل شده است؛ زیرا این آیات، نیاز به یک بحث مستقل دارد.

۱- ابن عباس نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«خداوند، آیه ای نازل نکرد که در آن: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا باشد و علی (علیه السلام) سر آمد و امیر آن نباشد». (۱)

۲- ابن عباس می گوید:

«هنگامی که آیه: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى... (۲) نازل شد، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! خویشاوندان شما که مودتشان بر ما واجب گشته است، چه کسانی اند؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان آنان». (۳)

ص: ۵۱

۱- (۱) - ما نزل فی القرآن فی علی، احمد بن عبد الله اصبهانی: ۲۶.

۲- (۲) - شوری (۴۲): ۲۳.

۳- (۳) - خصائص الوحی المبین، ابن بطریق: ۸۱.

بر طبق این آیه، موَدّت و دوستی حضرت علی (علیه السلام) بر اصحاب واجب بود.

۳- خداوند می فرماید: وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ اَهْلِي. (۱)

«و وزیری از خاندانم برای من قرار ده».

ابن عباس می گوید:

«وقتی در مکه بودیم، پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست من و علی را گرفت و (مقداری حرکت کرد، سپس) چهار رکعت نماز به جای آورد. آنگاه دستش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: ای خدا! موسی، فرزند عمران، از تو درخواست کرد و من محمّد، پیامبرت، از تو درخواست می کنم که قلب مرا گشاده کنی و گره از زبانم بگشایی تا سخنان مرا بفهمند و وزیری از خاندانم، برادرم علی ابن ابی طالب را برای من قرار ده؛ با او پشتم را محکم کن و او را در کارم شریک ساز».

ابن عباس می گوید:

«منادی را شنیدم که می گفت: ای محمد! آنچه را که درخواست کرده بودی، به تو داده شد». (۲)

۴- خداوند می فرماید:

ص: ۵۲

۱- (۱) - طه (۲۰): ۲۹.

۲- (۲) - خصائص الوحی المبین، ابن بطریق: ۲۴۵.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ . (۱)

«سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنان که ایمان آورده اند؛ همانان که نماز را بر پای می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند».

روش قرآن کریم در این آیه بیان افضل بودن حضرت علی (علیه السلام) بر اصحاب از طریق توضیح بُعد اخلاقی ایشان است؛ بُعدی که در آن تصریح شده که او سرپرست و ولی مؤمنان است.

مفسران اجماع دارند که این آیه در باره علی ابن ابی طالب (علیه السلام) هنگامی که آن حضرت انگشتر خود را در نماز به مسکین داد، نازل شده است.

زمخشری در باره عبارت: هُمْ رَاكِعُونَ می نویسد:

((می گویند که این عبارت حال: يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ است، در این صورت معنا چنین می شود: زکات را در حال رکوع شان پرداخت می کنند و آیه درباره علی (علیه السلام) نازل شده است و آن وقتی بود که فقیر از او در رکوع نماز، درخواست کمک کرد و حضرت، انگشتر را که گویی کمی برای انگشت او بزرگ بود رها کرد تا او بردارد و این عمل، سبب بطلان نماز نگردد.

اگر اشکال شود: لفظی که در آیه استعمال شده جمع است، چگونه بر حضرت علی (علیه السلام) تطبیق دارد؟

در جواب می گوئیم: علت جمع آوردن، تشویق مردم است تا مانند امام علی (علیه السلام) کاری انجام دهند و به پاداشی مانند پاداش او دست یابند.

ص: ۵۳

همچنین خداوند می خواهد همه ما را آگاه کند که سرشت مؤمنان، باید به درجه ای از علاقه به نیکوکاری، احسان و یاری در ماندگان برسد که حتی اگر کاری برای آنان پیش آید (مانند نماز که قابل تأخیر نباشد) احسان و انفاق خود را تا تمام کردن آن، به تأخیر نیندازند). (۱)

۵- خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ... (۲)

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان!».

بزرگان تفسیر و حدیث، تصریح دارند که آیه شریفه در شأن حضرت علی (علیه السلام) در غدیر خم نازل گشته است. در آن جا پیامبر (صلی الله علیه و آله) دست او را گرفت و فرمود:

«هر کس من سرپرست او هستم، علی سرپرست اوست. خدایا! دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که با او دشمنی کند. یاری کن هر کس که او را یاری کند و خوار کن هر کس که دست از یاری او بکشد و حق را با او بگردان، هر گونه که او بگردد». (۳)

ص: ۵۴

۱- (۱) - تفسیر کشاف: ۱/ ۶۴۸؛ تفسیر ابن جریر: ۶/ ۱۸۶.

۲- (۲) - مائده (۵): ۶۷.

۳- (۳) - مفسران، اهل حدیث و تاریخ نگاران، این روایت را و همچنین نزول آیه در غدیر خم و خطبه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را که در حضور بیش از یک صد هزار نفر ایراد کردند، به تواتر نقل کرده اند، به جهت اختصار، برخی از منابع را ذکر می کنیم: شواهد التنزیل: ۱/ ۱۸۷، الدر المنثور: ۲/ ۲۹۸؛ فتح القدير: ۳/ ۵۷؛ روح المعانی: ۶/ ۱۶۸؛ المنار: ۶/ ۴۶۳؛ تفسیر طبری: ۶/ ۱۹۸؛ الصواعق المحرقة: ۷۵.

با این انتصاب الهی - که در قرآن ذکر شده است - ثابت می شود که حضرت علی (علیه السلام) بعد از رسول خدا، افضل و برتر از دیگران است.

۶- خداوند می فرماید:

... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. (۱)

«خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان (پیامبر) بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند».

آیه شریفه، دلالت بر حصر اراده خدا نسبت به زدودن پلیدی از اهل بیت (علیهم السلام) و پاک کردن آنان دارد. این حصر، متعلق به اهل بیت (علیهم السلام) است؛ زیرا خداوند، اراده های تکوینی و تشریحی دیگر دارد. بر طبق این بیان، معنای آیه چنین است:

«اراده زدودن پلیدی و پاک کردن، فقط اختصاص به اهل بیت دارد».

به عبارت دیگر:

«ای اهل بیت! شما کسانی هستید که خداوند می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را از آلودگیها پاک گرداند».

بر طبق این معنا اراده - که بدون شک - تکوینی است؛ زیرا اراده تشریحی برای پاک کردن اشخاص از آلودگیها اختصاص به قوم، یا

ص: ۵۵

خانواده ای ندارد. اراده تکوینی خداوند، از مراد جدا نیست، پس پاک کردن اهل بیت (علیهم السلام) از پلیدیها، کاری است که به اراده الهی در خارج واقع شده است، پس آنان معصوم از گناه و اشتباه می باشند.

این برداشت، با توجه به خود جمله و با قطع نظر از ارتباط آن با عبارتهای قبلی، به دست می آید.

ممکن است گفته شود: قصر موجود در آیه، «قصر قلب» باشد؛ یعنی خداوند، با خطاب عام، زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نزدیکان آن حضرت را به تکالیفی فرمان داد لکن نسبت به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) تکالیف شدیدتری قرار داد، سپس آنان را آگاه کرد که این سختی برای به مشقت انداختن آنان نیست بلکه به جهت پاک کردنشان از آلودگیهاست تا در سایه انجام این تکالیف، خانواده ای الگو شوند و دیگران از آنان پیروی کنند.

از این تعلیل: *إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...* استفاده می شود که این تکالیف، اختصاص به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) ندارد - گر چه خطاب متوجه آنان است - بلکه همسران آن حضرت، به جهت انتسابشان به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مأمور به انجام این تکالیف شده بودند، پس هر کس منتسب و وابسته به حضرت باشد، این تکالیف، او را نیز شامل می شود؛ بنابراین، اراده این آیه شریفه تشریح است و قصر در آن، «قصر قلب» می باشد و اهل بیت، شامل همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز می شود. ضمیر مذکر جمع نیز برای «تغلیب» است.

لکن این احتمال، بعید است؛ زیرا صیغه جمع مذکر فقط در تعلیل آمده و در عبارتهای قبل و بعد، ضمیرها به صورت مؤنث ذکر شده است.

طبق این بیان، جمله: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...** مستقل از عبارتهای قبل و بعد است. بر این اساس، این پرسش مطرح می شود که هدف از آوردن آن در میان آیاتی که مربوط به همسران پیامبر است، چیست؟

در پاسخ باید گفت: این جمله برای بیان هدفی خاص آورده شده است؛ یعنی هدف از آن، بیان مقام و شأن خاصیتی است که فقط اهل بیت (علیهم السلام) از آن برخوردار می باشند و همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن محروم اند؛ مانند آیه:

يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ . (۱)

عبارت: **يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا** برای هدفی خاص ذکر شده است.

جواب دیگر این است که: جمله: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...** هنگام نزول، آیه مستقلی بود ولی به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جهت مصلحتی که بر ما مخفی است (مثل حفظ آن از تحریف) در این جا قرار داده شده است.

البته خداوند، مصونیت قرآن را از تحریف، ضمانت کرده است لکن منافاتی ندارد که این ضمانت به وسیله فراهم کردن اسباب آن، تحقق یابد و شاید یکی از اسباب آن، همین مطلب باشد. این در

ص: ۵۷

صورتی است که قایل شویم ترتیب کنونی قرآن، به دستور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است اما اگر این را نپذیریم، دیگر مشکلی وجود ندارد.

در هر صورت، تقیید به این سیاق و پافشاری بر آن، التزام آور نمی باشد و مانند این سیاق آیه شریفه: **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...** می باشد.

با بررسی روایات نقل شده در شأن نزول این آیه روشن می شود که روایات متظافر است که آیه به صورت مستقل نازل گشته است. در این روایات، مطلبی وجود ندارد که این آیه در ضمن آیات پیشین نازل شده باشد و ما در آینده نزدیک به این روایات، اشاره خواهیم کرد.

با توجه به روایاتی که هر دو گروه (شیعه و اهل سنت) نقل کرده اند، روشن می شود که تعارضی در سیاق وجود ندارد و نوبت به آن نمی رسد که بخواهیم یکی از این دو را بر دیگری ترجیح دهیم.

روایاتی که دلالت دارد شأن نزول آیه شریفه درباره اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (علی، فاطمه، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) است، طبق نقل فریقین، بیشتر از هفتاد روایت است. حال اگر به این روایات، اعتماد نشود، دیگر به چه روایتی می توان اعتماد کرد؟

شیعیان، این روایات را از امام علی، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد و علی بن موسی (علیهم السلام) روایت کرده اند. و ام سلمه، ابی ذر، ابی لیلی، ابی اسود دثلی، عمر بن میمون اودی و سعد بن ابی وقاص نقل کرده اند.

اهل سنت نیز این روایات را از طریق ام سلمه، عایشه، ابی سعید خدری، سعد بن وائله بن اصقع، ابی حمراء، ابن عباس، ثوبان؛ خادم پیامبر، عبد الله بن جعفر، علی و امام حسن (علیهما السلام) نقل کرده اند. همه این روایات، دلالت دارد که آیه شریفه درباره پیامبر، علی، فاطمه، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) نازل شده است و مراد از «اهل بیت»، تنها آنان می باشند. (۱)

عبدالله احمد بن حنبل، از پدرش و او هم از شداد بن عمّار نقل می کند: «بر وائله بن اصقع وارد شدم. نزد وی گروهی بودند و درباره علی سخن می گفتند. وقتی آن جماعت رفتند، وائله گفت: آیا می خواهی آنچه را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دیدم، به تو خبر دهم؟ گفتم: بله. گفت: نزد فاطمه (علیها السلام) رفتم که درباره علی (علیه السلام) از او سؤال کنم، فرمود: نزد رسول خدا رفت. منتظر ماندم تا آن حضرت تشریف آورد و همراه با او علی، حسن و حسین (علیهم السلام) بودند در حالی که دست هر کدام را گرفته بود، وارد (خانه) شد. علی و فاطمه را به نزدیک خود فرا خواند و آنان را رو به روی خود قرار داد و حسن و حسین را بر روی پاهای خود نشانند، سپس جامه ای را بر آنان پیچید، سپس این آیه را تلاوت فرمود:

... إِنَّمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا . و فرمود: «خدایا! اینان اهل بیت من هستند و اهل بیتم سزاوارترند». (۲)

ص: ۵۹

۱- (۱) - الامامه والولایه / جمعی از دانشمندان: ۱۵۰.

۲- (۲) - مسند احمد: ۱۰۷/۴؛ شواهد التنزیل، حاکم حسکانی: ۱۰/۲-۱۹۲؛ الدر المنثور، سیوطی: ۱۹۸/۵؛ مشکل الآثار، طحاوی: ۱/۳۳۲-۲۳۸؛ مجمع الزوائد، هیثمی: ۹/۱۷۲ و ۱۶۹ و ۱۴۶ و ۱۲۱؛ مسند احمد بن حنبل: ۱/۲۳۰ و ۱۰۷/۴؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر: ۸۵؛ تفسیر طبری: ۲۲/۷-۵؛ اسد الغابه، ابن اثیر: ۴/۲۹؛ خصائص نسائی: ۴.

پس این همان ملکه عصمت است که حضرت علی (علیه السلام) آن را به دست آورد و به وسیله آن می توان در باره برتری آن حضرت بر دیگران، استدلال کرد.

۷- خداوند می فرماید:

فَمَنْ حَيَّجَكَ فِيهِ مِنْ بَعِيدٍ مِمَّا حَيَّاءُكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ . (۱)

«هر گاه بعد از علم و دانشی که در باره مسیح به تو رسید (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنان بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

امر به دعوت کردن فرزندان، زنان و نفوس - آن هم به صیغه جمع - اقتضا دارد که برای امثال آن، حد اقل سه نفر برای هر عنوان آورده شود تا معنای جمع، تحقق پیدا کند لکن آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام داد واحادیث صحیح و مسلمات تاریخی به آن شهادت می دهد، این گونه نبود و علت این کار پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم انحصار مصداق بود، پس آیه کریمه با توجه به امثال و عمل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بیانگر این است که این افراد شایستگی همراهی با آن حضرت را در مباحله دارند. همچنین دلالت

ص: ۶۰

دارد که آنان محبوب ترین بندگان و نزدیکترین اشخاص به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشند و همین مسأله موجب افتخار و فضل آنان می باشد.

در تأکید مطالب، گفتنی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) همسران زیادی داشت لکن در روز مباحله فقط دختر خود را آورد و این دلالت دارد که حضرت فاطمه (علیها السلام) مورد علاقه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دارای جایگاه ویژه نزد او بود و این بیانگر مقرب بودن او به درگاه الهی و داشتن مقام و منزلت نزد او می باشد.

همچنین انطباق عنوان «نفس» بر علی (علیه السلام) دلالت بر بالا-ترین فضیلت و امتیاز برای او دارد؛ زیرا او به منزله نفس پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار داده شده است. روایاتی که دو گروه شیعه و اهل سنت نقل کرده اند، این مطلب را تأیید می کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود:

«تو نسبت به من، به منزله هارون نسبت به موسی (علیه السلام) هستی جز این که بعد از من، پیامبری نخواهد بود». (۱)

و نیز فرمود:

«تو از من هستی و من از تو». (۲)

امام علی (علیه السلام) به این فضیلت در شورای خلافت، احتجاج نمود و اعضای شورا همگی به آن اعتراف کردند. این مطلب آن قدر روشن است که حتی ابن تیمیّه صحّت آن را پذیرفته و گفته:

ص: ۶۱

۱- (۱) - علامه بحرانی تعداد «روایات» منزلت را که از اهل سنت نقل می کند، به صد رسانده است (ر. ک: غایه المرام: ۱۵۲-۱۰۹).

۲- (۲) - خصائص نسائی: ۸۸.

«در این آیه نفس پیامبر، همان علی (علیه السلام) است، ولی ملائک (در این جا) خویشاوندی است».

و هنگامی که متوجه شده این توجیه با وجود عبّاس عموی پیامبر نقض می شود؛ زیرا عمو از پسر عمو نزدیکتر است، گفته است:

«عبّاس از پیشگامان نبوده است و امتیازات او نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) همانند علی (علیه السلام) نیست».^(۱)

او به ناچار اعتراف کرد علت این که علی (علیه السلام) به منزله نفس پیامبر است، تنها خویشاوندی نیست بلکه پیشگامی او در پذیرش اسلام و امتیازات خاصی که نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) داشته مؤثر بود.

عبارت: نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا در آیه شریفه به ضمیر متکلم مع الغیر اضافه شده است، با این که احتجاج فقط با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، همان طور که جمله: فَمَنْ حَاجَّكَ... به این مطلب دلالت دارد. این نکته روشن می کند که کسانی جز پیامبر در امر دعوت به مباحله سهیم بوده اند.

همچنین بر این مطلب، دو آیه ذیل نیز دلالت دارد:

وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ...^(۲)

«و شاهدهی از (خویشان) او، پیرو آن است».

۲- قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي .^(۳)

ص: ۶۲

۱- (۱) - سنن ترمذی: ۵/۵۹۶/ح ۳۷۲۴.

۲- (۲) - هود (۱۱): ۱۷.

۳- (۳) - یوسف (۱۲): ۱۰۸.

«بگو: این راه من است، من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم».

روایات نقل شده در این باره بر حقیقت یاد شده مُهر تأیید می زند و این مقتضای گفتار الهی است که در سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام): «انت مَنِّي بمنزلة هارون من موسى» تجلی یافته است.

عبارت: فَجَعَلَ لَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَاذِبِينَ نیز مطلب را تأیید می کند؛ زیرا مراد از دروغگویان، هر دروغگویی نیست بلکه مراد دروغگویان مغرضی است که در یکی از دو طرف مباحله قرار دارند. طبق این بیان، دعوت کننده در هر طرف، بیشتر از یک نفر است و اگر یک نفر بود، باید گفته می شد: «فنجعل لعنه الله على من هو كاذب» تا انطباق بر فرد، صحیح باشد، نتیجه می گیریم که همراهان پیامبر در دعوت به مباحله با او شریک بودند.

گفتنی است که: محاجه بین پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسیحیان، برای دعوت آنان به اسلام بود و حضور در مباحله، مقدمه برای این دعوت بود؛ از این رو، کسانی که در مباحله حاضر شدند، هم در دعوت به مباحله وهم در دعوت به اسلام، شریک می باشند.

روایاتی که اصحاب درباره آیه مباحله نقل کرده اند، خیلی زیاد است؛ مانند: روایت جابر بن عبدالله، براء بن عازب، انس بن مالک، عثمان بن عفان، عبد الرحمان بن عوف، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن

عبّاس و ابی رافع خادم رسول خدا و... . همچنین تعدادی از تابعین؛ مانند: سدی، شعبی، کلبی و ابی صالح، این روایت را از اصحاب نقل کرده اند.

راویان بزرگ، تاریخ نگاران و مفسران؛ مانند: مسلم، ترمذی، طبری، ابی فداء، سیوطی، زمخشری و رازی، آن را در کتابهای خود ذکر کرده اند. (۱)

جابر می گوید:

«آیه: نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ دَرَبَارِ اَهْلِ بَيْتِ نَازِلِ شَدَه اَسْت. مراد از انفسنا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و مراد از أَبْنَاءَنَا حَسَن و حَسِين (علیهما السلام) و نساءنا فاطمه (علیها السلام) می باشد. (۲)

۸- خداوند می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ . (۳)

«کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات خدایند».

جابر بن عبد الله می گوید:

«نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بودیم و علی (علیه السلام) به سوی ما می آمد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: برادرم نزد شما آمد، سپس متوجه کعبه شده با دست روی آن زد و فرمود: قسم به آن کسی که جانم در دست اوست! این شخص و شیعیان او رستگاران روز قیامت اند. آنگاه فرمود: او اولین کس

ص: ۶۴

۱- (۱) - الامامه والولایه، گروهی از دانشمندان: ۱۳۸.

۲- (۲) - غایه المرام: ۳۰۱ / ح ۷.

۳- (۳) - بیته (۹۸): ۷.

از شماس‌ت که به من ایمان آورد. او نسبت به پیمانهای الهی، با وفاترین شماس‌ت. او پایدارترین شما در امر الهی و با عدالت‌ترین شما در (امور) بندگان است. او در قسمت کردن (بهره‌ها) بهترین شماس‌ت و منزلت او نزد خدا از همه شما بالاتر است، سپس فرمود: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** در باره او نازل شده است).

جابر در ادامه می‌گوید:

«اگر علی (علیه السلام) به سوی اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌آمد، آنان می‌گفتند: بهترین بندگان آمد». (۱)

ص: ۶۵

۱- (۱) - تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر: ۳۷۱ / ۴۲؛ الدر المنثور، سیوطی: ۳۷۹ / ۶؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر: ۱۵۹ و ۹۶؛ فتح القدر، شوکانی: ۴۶۴ / ۵؛ تفسیر آلوسی: ۲۰۷ / ۳۰؛ تفسیر طبری: ۱۷۱ / ۳؛ نور الابصار، شبلینجی: ۱۰۵؛ شواهد التنزیل، حسکانی: ۳۵۶ / ۲.

اشاره

هدف ما در این بخش، بررسی و بیان همه سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره حضرت علی (علیه السلام) نیست بلکه تنها اشاره به برخی از روایاتی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آنها به افضل بودن آن حضرت بر صحابه تصریح دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این روایات، سعی و تلاش نمود تا خواسته حق تعالی را به مردم برساند.

۱- امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) قریش را گرد آورد، سپس فرمود: کسی جز علی، دین مرا ادا نمی کند». (۱)

۲- عبدالله می گوید:

«پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از منزل زینب بنت جحش، خارج شد و به منزل ام سلمه آمد و آن روز، نوبت او بود. مدتی نگذشته بود که علی (علیه السلام) آمد و درب را کوبید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ام سلمه فرمان داد تا درب را بگشاید و به او فرمود: کوبنده در کسی است که خدا و

ص: ۶۷

پیامبرش را دوست می دارد. وقتی علی (علیه السلام) داخل شد، پیامبر خدا فرمود: ای ام سلمه! آیا او را می شناسی؟ گفتم: بلی ای رسول خدا! این علی ابن ابی طالب است. فرمود: راست گفتی، آقایی است که او را دوست دارم. گوشت او از گوشت من و خون او، از خون من است. او آگاه به اسرار خانه من است، بشنو و شهادت بده... او وعده های مرا وفا می کند، بشنو و شهادت بده. به خدا قسم! او سنت مرا احیا می کند، بشنو و شهادت بده. اگر بنده ای بعد از این که خدا را هزار سال عبادت کرد، هزار سال دیگر عبادت کند و هزار سال بین رکن و مقام عبادت کند، در حالی که کینه علی ابن ابی طالب و اهل بیت را داشته باشد، خدا را ملاقات نماید، خداوند او را در روز قیامت، بر رو در آتش جهنم خواهد افکند». (۱)

۳- امام علی (علیه السلام) فرمود:

«گروهی از قریش نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمدند و گفتند: ای محمّد! ما همسایگان و هم پیمانان تو هستیم. گروهی از بردگان ما نه به خاطر رغبت در دین و نه رغبت در فقه، به نزد تو آمده اند بلکه آنان از کشتزارها و اموال ما فرار کرده اند، آنان را به ما برگردان.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ابوبکر گفت: چه می گویی؟ گفت: راست می گویند؛ آنان همسایگان و هم پیمانان شما هستند. رنگ چهره پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ص: ۶۸

دگرگون شد. آنگاه فرمود: ای قریشیان! به خدا سوگند! خداوند مردی از شما که قلبش را به ایمان آزموده به سوی شما می فرستد. او با شما، یا برخی از شما به جهت دین جنگ می کند. ابو بکر گفت: ای رسول خدا! آن شخص من هستم؟ پیامبر فرمود: نه، او کسی است که دارد کفش را وصله می زند و پیامبر قبلاً کفشش را به علی (صلی الله علیه و آله) داده بود که آن را وصله بزند». (۱)

۴- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«فاطمه پاره قلب من است و فرزندان او میوه دل من هستند و همسر او نور چشمان من است و امامان از فرزندان او، امینان پروردگارم می باشند. آنان ریسمانی اند که بین خدا و بندگانش قرار دارند. هر کس به آنان پناهنده شود، نجات پیدا می کند و هر کس که عقب بماند، هلاک می شود». (۲)

از این رو، آنان برترین اشخاصی اند که می توان به آنان پناه برد؛ زیرا فردی که به آنان پناه برد، به سوی حق، هدایتش می کنند. آنان برتر از صحابه ای هستند که با آنان مخالفت می کنند؛ زیرا خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) با کسی هستند که به آنان پناه برد؛ نه با کسی که از آنان

ص: ۶۹

۱- (۱) - تذکره الخواص: ۴۰؛ مستدرک حاکم: ۱۳۷/۲؛ کنز العمّال: ۳۹۶/۶؛ شرح معانی الآثار: ۴۰۸/۲؛ مناقب ابن شهر آشوب: ۴۴/۲.

۲- (۲) - مناقب زمخشری: ۲۱۳؛ بحر المناقب، جمال الدین حنفی: ۱۱۶؛ اربعین محمّد بن ابی الفوارس: ۱۴ (این سه کتاب خطی می باشند)؛ ینایع المودّه: ۸۲؛ مقتل خوارزمی: ۵۹.

عقب بماند. روشن است که برخی از صحابه، نه تنها از اهل بیت عقب ماندند بلکه جنگ را علیه آنان شعله ورساختند.

امام علی(علیه السلام) در خطبه شششقیه، موضع خود را در برابر مخالفت صحابه بیان فرموده است. فاطمه زهرا(علیها السلام) نیز در خطبه معروفش در مسجد پیامبر(صلی الله علیه و آله) - که آن را بعد از وفات آن حضرت بیان کرد - مواردی از مخالفت‌های صحابه را با علی(علیه السلام) بر شمرد.

۵- با دو سند از ابی سعید خدری نقل شده است:

«منتظر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نشسته بودیم، آن حضرت از خانه یکی از همسرانش خارج شد. همراه او برخاستیم. ناگهان کفشش پاره شد. علی(علیه السلام) ماند تا آن را وصله بزند. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) حرکت کرد، ما نیز همراه او حرکت کردیم. سپس آن حضرت منتظر علی(علیه السلام) شد، ما نیز به انتظار ایستادیم. حضرت فرمود: کسی از شما بر تأویل این قرآن می جنگد؛ همان گونه که من بر تنزیل آن جنگ کردم. همه گردن برافراشتیم و در میان ما ابو بکر و عمر هم بودند. پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: نه، آن شخص وصله زنده کفش است. ابی سعید می گوید: آمدیم که به علی(علیه السلام) بشارت دهیم؛ گویا خبر را شنیده بود. و در سند دیگر آمده است: با بشارت ما سرش را بلند نکرد، گویا سخن پیامبر(صلی الله علیه و آله) را شنیده بود. (۱)

ص: ۷۰

۱- (۱) - مسند احمد بن حنبل: ۳/ ۸۳؛ حلیه الأولیاء، ابن نعیم: ۱/ ۶۷؛ اسد الغابه، ابن اثیر: ۳/ ۲۸۳.

با این دسته از روایات، برتری علی (علیه السلام) بر اصحاب ثابت می شود؛ زیرا او عهده دار اثبات حق و به کرسی نشاندن آن بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود و بر اصحاب، واجب بود که از آن حضرت، پیروی کنند.

۶- از پیامبر (صلی الله علیه و آله) با سندهای مختلف روایت شده که فرمود:

((علی از من است و من از علی. او سرپرست مؤمنان بعد از من می باشد. کسی حق مرا ادا نمی کند، جز علی)). (۱)

۷- از موضعگیری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره خلیفه اول و دوم، نسبت به خواستگاری آنان از فاطمه زهرا (علیها السلام) عنایت مخصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) به دست می آید.

عبد الله بن زید از پدرش نقل می کند:

((ابو بکر و عمر، فاطمه را از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) خواستگاری کردند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: او کوچک است. علی (علیه السلام) او را خواستگاری کرد، آن حضرت فاطمه را به همسری او در آورد)). (۲)

۸- احمد در مسندش با چند سند نقل می کند:

((پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور داد همه در بها را بستند، جز درب (خانه) علی (علیه السلام). مردم در این باره سخن گفتند (که چرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) تبعیض قایل می شود؟). پیامبر (صلی الله علیه و آله) حمد و ثنای خدا را به جای

ص: ۷۱

۱- (۱) - مسند احمد: ۴ / ۱۶۵-۱۶۴ (با پنج سند)؛ خصائص امیر المؤمنین، نسائی: ۲۰-۱۹ (با دو سند)؛ صحیح بخاری: ۳ / ۲۲۹؛ الصواعق المحرقة: ۷۴؛ سنن بیهقی: ۵ / ۸.

۲- (۲) - خصائص نسائی: ۱۱۴؛ مناقب ابن شهر آشوب: ۳ / ۳۴۵؛ تذکره الخواص: ۳۰۶.

آورد، سپس فرمود: من مأمور به بستن این دربها جز درب علی (علیه السلام) بودم، اما در این باره سخنها گفته شده است. به خدا سوگند! دربی را نبستم و نگشودم. مگر آن که مأمور به آن شدم و از آن اطاعت کردم). (۱)

۹ - پیامبر (صلی الله علیه و آله) بین مهاجران و انصار، برادری برقرار کرد و علی (علیه السلام) را وا گذاشت تا این که تنها ماند، آن حضرت فرمود:

«ای رسول خدا! میان اصحابت برادری برقرار کردی و مرا وا گذاشتی؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: به جهت این که تو را برای خودم وا گذاشتم. تو برادر من هستی و من برادر تو. اگر کسی از تو سؤال کرد، بگو: من بنده خدا و برادر رسول او هستم. کسی بعد از تو، این دو را ادعا نمی کند مگر این که دروغگو باشد. سوگند به آن کسی که مرا به حق مبعوث کرد! تو را برای خودم، کنار گذاشتم). (۲)

برخی از خصوصیات و ویژگی های انحصاری حضرت علی (علیه السلام)

در روایتی که از معاویه نقل شده آمده است:

ص: ۷۲

-
- ۱- (۱) - مسند احمد: ۱ / ۱۷۵ وج ۴ / ۳۶۹؛ مستدرک حاکم: ۳ / ۱۲۵ و ۱۱۶؛ خصائص نسائی: ۱۳؛ صحیح ترمذی: ۲ / ۳۰۱؛ الدرّ المنثور: ۶ / ۱۲۲؛ الصواعق المحرقة: ۷۶؛ کنز العمال: ۶ / ۱۵۵.
 - ۲- (۲) - ینابیع المودّه: ۵۶؛ الریاض النضره: ۲ / ۱۶۸؛ کنز العمال: ۶ / ۱۵۳؛ التاج الجامع للاصول: ۳ / ۳۳۵؛ مصابیح السنه: ۲ / ۱۹۹؛ ذخائر العقبی: ۹۲؛ اسد الغابه: ۳ / ۳۱۷؛ خصائص نسائی: ۱۸.

((علی، فرزند ابوطالب را یاد کردیم. سعد بن ابی وقاص گفت: به خدا سوگند! اگر یکی از آن سه از آن من بود، هر آینه برایم بهتر بود از آنچه خورشید بر آن طلوع کند: اگر پیامبر به من می گفت آنچه را که به او گفت هنگامی که او را از تبوک برگرداند:

آیا نمی پسندی که نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی باشی، جز این که پس از من پیامبری وجود ندارد.

اگر به من می گفت آنچه را در روز خیبر به او گفت: این پرچم را به مردی خواهم داد که خداوند و رسولش را دوست دارد و خداوند این دژ را به دست او می گشاید و فرار نمی کند؛ اگر دختر پیامبر همسر من بود و فرزندان او را داشتم مانند فرزندان او که علی (علیه السلام) از او دارد. (۱)

ص: ۷۳

۱- (۱) - مروج الذهب: ۶۱ / ۲؛ صحیح ترمذی: ۳۰۰ / ۲؛ مسند احمد: ۱ / ۱۸۵؛ خصائص نسائی: ۱۱۶.

نقش برجسته و مکتبی علی (علیه السلام) و تلاش عالمانه آن حضرت در تحقق اهداف دینی و اعتلای کلمه حق، از زمان بعثت تا پایان رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اثرات بسیار مثبتی بر صحابه داشت؛ به صورتی که اقدامهای آن حضرت، پایگاه قدرتمندی را در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بعد از وفات آن حضرت، به وجود آورد.

هنگامی که خلفا با مشکلات و سختیها مواجه می شدند و نمی توانستند راه حل آن را از دین و معارف دینی به دست آورند، به حضرت علی (علیه السلام) مراجعه می کردند. این مطلب بسیار روشن است و نیاز به توضیح ندارد؛ زیرا در صحاح، سنن و کتابهای تاریخی، از آن زیاد یاد شده است.

در هر صورت، برداشت و دیدگاه صحابه نسبت به شخصیت علی (علیه السلام) برداشت بسیار مثبتی بود و ما در این بخش، تنها مواردی را ذکر می‌کنیم که صحابه بر افضل بودن آن حضرت تصریح دارند.

۱- خلیفهٔ اوّل

خلیفهٔ اوّل، برای یافتن راه حلّ بسیاری از مشکلات، به حضرت علی (علیه السلام) مراجعه می‌کرد. ابو بکر هنگامی که می‌خواست با رومیان بجنگد، با گروهی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) مشورت کرد، آنان صلاح را در این دیدند که جنگ را به تأخیر اندازد.

سپس ابو بکر، نظر علی (علیه السلام) را جویا شد، آن حضرت خواستار جنگ بود و فرمود:

«اگر جنگ کنی، پیروز می‌شوی».

ابو بکر گفت: «به خیر بشارت دادی»، آنگاه سخنانی کرد و فرمان داد که لشکر جهت حرکت به سوی روم آماده شود. (۱)

در مقوله (تفسیر) نیز می‌بینیم که ابو بکر، به عدم توانایی خویش برای تفسیر آیات قرآن کریم اعتراف دارد.

ابی ملیکه می‌گوید:

«از ابو بکر دربارهٔ تفسیر کلمه ای از قرآن سؤال شد، او در جواب گفت: کدام آسمان بر من سایه افکند؟ و کدام زمین مرا در

ص: ۷۶

بر بگیر؟ و به کجا بروم؟ و چه بکنم؟ اگر درباره حرفی از کتاب خدا چیزی بگویم، غیر آنچه را که خدا اراده کرده است).
(۱)

درباره وَفَاكِهَهُ وَأَبًا؛ (۲) «میوه و چراگاه» از ابو بکر سؤال شد، او پاسخی داد. وقتی حضرت علی (علیه السلام) از جواب او آگاه شد، فرمود:

((خداوند منزّه است! آیا ندانست که الأب همان گیاه و چراگاه است و سخن خداوند: وَفَاكِهَهُ وَأَبًا، بر شمردن نعمتهایی است که خداوند به بندگانش (داده است)؛ نعمتهایی که به وسیله آنها آنان را تغذیه کرد و آنها را برای آنان و چهار پایانشان خلق نمود؛ نعمتهایی که موجب انس آنان است و بدنهایشان به وسیله آنها پایدار می ماند؟)) (۳)

همچنین ابو بکر تصریح می کند که به صورت دقیق و روشن نمی تواند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را وصف کند؛ در حالی که علی (علیه السلام) تواناترین فرد در این زمینه بود؛ زیرا او نسبت به اسرار پیامبر و رسالت، آگاهتر از همه بود.

ابن عمر می گوید:

((یهودیان نزد ابو بکر آمدند و گفتند: رفیقت (پیامبر) را برای ما وصف کن. ابو بکر گفت: ای گروه یهود! من مانند این دو انگشت در غار همراه او بودم و از کوه حرا به همراه او بالا رفتم، در حالی

ص: ۷۷

۱- (۱) - منتخب کنز العمال (که در حاشیه مسند احمد قرار دارد): ۳۹۶/۵.

۲- (۲) - عبس (۸۰): ۳۱.

۳- (۳) - الارشاد، شیخ مفید: ۲۰۰/۱، چاپ آل البيت

که انگشت کوچک من در انگشت کوچک او بود لکن سخن گفتن از او مشکل است. بروید از علی ابن ابی طالب (علیه السلام) سؤال کنید.

نزد علی (علیه السلام) آمدند و گفتند: ای ابا الحسن! پسر عمویت را برای ما وصف کن. حضرت فرمود: رسول خدا نه زیاد بلند قد بود و نه زیاد کوتاه قد؛ رنگ پوستش سفید بود که به سرخی می زد؛ مویش زیاد پیچیده نبود؛ موی سرش به موی محاسنش می رسید؛ پیشانی اش گشاده بود؛ سیاهی چشمانش در نهایت سیاهی بود؛ موی وسط سینه تا نافش لطیف و نازک بود؛ دندانهای پیش او می درخشید؛ بینی اش کشیده و وسط آن بر آمده بود؛ گردن او کشیده بود؛ موهای بدنش از زیر گردن تا ناف کشیده می شد و سیاه و خوشبو بود و غیر از آنها موی دیگری در بدن و سینه آن حضرت نبود؛ پنجه و کف پاهای او درشت بود؛ زمانی که راه می رفت، مانند این بود که از بلندی به پایین می رود و هنگامی که روی بر می گرداند، همه بدن را می گرداند؛ زمانی که بلند می شد، مردم کوتاهتر از او بودند و هنگامی که می نشست، از مردم بلندتر بود؛ زمانی که سخن می گفت، مردم گوش فرا می دادند و هنگامی که سخنرانی می کرد، مردم را به گریه می انداخت؛ او مهربان ترین شخص برای مردم بود؛ برای یتیم، پدری مهربان و نسبت به بیوه ها جوانمرد بود؛ شجاع ترین مردم و بخشنده ترین آنان بود؛ صورتش درخشان تر از آنان بود؛ لباسش عبا

بود؛ غذایش نان جو و خورشش شیر بود؛ بالشتش از پوست بود که با پوست درخت خرما پر شده بود و تختش از درخت طلح بود که با پارچه سفید بافته شده بود؛ دو عمامه داشت. نام یکی سحاب و دیگری عقاب بود؛ نام شمشیرش ذوالفقار، پرچمش غرا، شترش عسبا، استرش دلدال، الاغش يعفور، اسبش مرتجز، گوسفندش برکت، چوب دستی اش ممشوق و پرچمش حمد بود؛ ساقهای شتر را می بست و به شتر خود خوراک می داد و به لباس وصله می زد و کفش خود را می دوخت). (۱)

۲- خلیفه دّوم

عمر، آن چنان تحت سیطره علمی علی (علیه السلام) قرار داشت که بارها می گفت: «اگر علی نبود، عمر هلاک می شد». (۲)

عمر از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«هیچ کس فضیلتی را که علی (علیه السلام) به دست آورده به دست نیاورده است؛ فضیلتی که صاحب خود را به راه راست هدایت کند و او را از هلاکت نجات دهد». (۳)

ص: ۷۹

۱- (۱) - الرياض النضرة فی مناقب العشرة، طبری: ۱۶۲ / ۳.

۲- (۲) - کنز العمال: ۱ / ۱۵۴؛ ذخائر العقبی: ۷۲؛ فیض القدير: ۳ / ۳۵۶؛ مستدرک حاکم: ۱ / ۴۵۷.

۳- (۳) - الرياض النضرة / طبری: ۱۸۹ / ۳.

محمد بن خالد ضبی می گوید:

((عمر بن خطاب روزی سخنرانی کرد و گفت: اگر شما را از آنچه می دانید، به آنچه نمی دانید، برگردانیم، چه می کنید؟ همه ساکت شدند. او تا سه بار این جمله را تکرار کرد. علی (علیه السلام) برخاست و فرمود: ای عمر! در این صورت، تو را به توبه وادار می کنیم؛ اگر توبه کردی، تو را می پذیریم. عمر گفت: اگر توبه نکنم؟ حضرت فرمود: در این صورت گردنت را می زنیم. عمر گفت: سپاس خدایی را که در این امت کسی را قرار داد که اگر کج رفتیم، کجی ما را راست کند). (۱)

ثور بن یزید دلیلی می گوید:

«عمر درباره حدّ شخصی که شراب خورده بود، مشورت کرد. علی (علیه السلام) در جواب گفت: هشتاد ضربه به او بزن؛ زیرا اگر شراب بخورد، مست می شود و اگر مست شد، هذیان می گوید و اگر هذیان گفت، افترا می بندد. از آن پس، عمر هشتاد ضربه در حدّ شراب می زد». (۲)

اذینه عبیدی گوید:

«نزد عمر رفتم و از او پرسیدم: عمره را از کجا آغاز کنم؟ گفت: نزد علی برو و از او سؤال کن». (۳)

ص: ۸۰

۱- (۱) - مناقب خوارزمی: ۹۸ (با تحقیق مالک محمودی).

۲- (۲) - کنز العمال: ۳/۱۰۰؛ شرح موطأ زرقانی: ۴/۲۵.

۳- (۳) - الفائق فی حدیث، زمخشری: ۴/۲؛ استیعاب، ابن عبدالبر: ۳/۱۱۰۳.

عثمان در مسائل پیچیده ای که برایش پیش می آمد و راه حلی برای آنها نداشت، به علی (علیه السلام) مراجعه می کرد، به مواردی از آنها اشاره می شود:

الف: بعجه بن عبد الله جهنی می گوید:

«مردی از ما با زنی از قبیله جهینه ازدواج کرد. آن زن بعد از شش ماه برای او فرزندی زایید، آن مرد نزد عثمان رفت و قضیه را بازگو کرد. عثمان دستور داد آن زن را سنگسار کنند.

عده ای، حکم عثمان را به علی (علیه السلام) اطلاع دادند. آن حضرت نزد عثمان آمد و فرمود: چه می کنی؟ گفت: این زن با تمام شدن شش ماه زاییده است، آیا این امکان دارد؟ علی (علیه السلام) فرمود: آیا سخن خداوند را نشنیده ای: ... وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...؛ (۱) دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است؟ آیا برای مدت بارداری جز شش ماه باقی ماند؟! عثمان گفت: به خدا سوگند! متوجه این [آیه] نبودم». (۲)

ب: محمد بن یحیی بن حبان می گوید:

«جدّم حبان بن منقذ دو زن داشت: یکی از بنی هاشم و دیگری از انصار. زن انصاری را طلاق داد در حالی که شیر می داد. یک سال گذشت

ص: ۸۱

۱- (۱) - احقاف (۴۶): ۱۵.

۲- (۲) - الدرّ المنثور: ۴۰ / ۶.

وآن زن حیض نشد، آنگاه جدم فوت کرد. زن انصاری گفت: من از او ارث می برم؛ زیرا حیض نشدم. همسرانش برای داد خواهی نزد عثمان رفتند، عثمان حکم کرد که زن انصاری ارث می برد. زن هاشمی او را سرزنش کرد. عثمان گفت: این پسر عمومی تو است که من را به این حکم راهنمایی کرد و مقصودش علی (علیه السلام) بود». (۱)

ج: در مسند عثمان روایت شده است:

«مردی را نزد عثمان آوردند که با کودکی از قریش لواط کرده بود. عثمان گفت: آیا او زن دارد؟ گفتند: او بازنی ازدواج کرده لکن تا الآن مقاربت نکرده است. علی (علیه السلام) به عثمان گفت: اگر او با زنش نزدیکی کرده بود، رجم بر او واجب می گشت، امّا حال که با او نزدیکی نکرده حد بر او جاری می شود. ابو ایوب می گوید: گواهی می دهم آنچه را که ابا الحسن درباره این مسأله گفت، از رسول خدا شنیدم. آنگاه عثمان فرمان داد و حد را بر او جاری کردند». (۲)

۴- ابن عباس

الف: ابن عباس می گوید:

ص: ۸۲

۱- (۱) - کنز العمال: ۳/ ۱۷۸.

۲- (۲) - کنز العمال: ۳/ ۱۷۸ و ۹۹.

((به خدا سوگند! نه دهم از علم، به علی ابن ابی طالب داده شده است و به خدا سوگند! که در آن یک دهم نیز با مردم شریک است)). (۱)

ب: ابن عباس می گوید:

((دانش پیامبر (صلی الله علیه و آله) از علم خداوند و علم علی (علیه السلام) از علم پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علم من از علم علی (علیه السلام) است. علم من و علم اصحاب چیزی نیست مگر قطره ای در برابر هفت اقیانوس)). (۲)

ج: ابن عباس می گوید:

«دانش شش قسم است؛ پنج قسم آن مال علی (علیه السلام) است و برای مردم یک ششم دیگر. او در یک ششم باقیمانده با ما شریک است به صورتی که از ما آگاهتر به آن است». (۳)

۵- ابن مسعود

الف: ابن مسعود می گوید:

«به یکدیگر می گفتیم که علی (علیه السلام)، دانشمندترین اهل مدینه در داوری است». (۴)

ص: ۸۳

۱- (۱) - الاستیعاب، ابن عبد البر: ۳ / ۴۱؛ الرياض النضرة: ۲ / ۱۴۹.

۲- (۲) - ینابیع المودّه: ۷۰.

۳- (۳) - مناقب خوارزمی: ۵۵؛ فرائد السمطین: ۱ / ۳۶۶.

۴- (۴) - مستدرک: ۳ / ۴۱؛ أسنی المطالب، جزری: ۱۴؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر: ۷۶.

ب: ونیز می گوید:

«حکمت به ده بخش تقسیم شده است؛ به علی نه بخش داده است و به مردم یک بخش، علی (علیه السلام) در آن یک بخش هم، دانشمندترین آنان است».^(۱)

ج: وی می گوید:

«دانشمندترین فرد درباره مسائل فقهی، علی ابن ابی طالب است».^(۲)

د: همچنین می گوید:

«علی (علیه السلام) دانشمندترین شخص اهل مدینه در داوری و قضاوت است».^(۳)

ه: ونیز می گوید:

«قرآن بر هفت حرف نازل شده است. حرفی از آن نیست مگر این که ظاهر و باطنی دارد و نزد علی ابن ابی طالب، هم ظاهر آن هست و هم باطن آن».^(۴)

۶- عدی بن حاتم

وی می گوید:

ص: ۸۴

۱- (۱) - کنز العمال: ۵ / ۴۰۱ و ۱۵۶.

۲- (۲) - الاستیعاب: ۱ / ۴۱؛ الرياض النضرة: ۲ / ۱۹۴.

۳- (۳) - الرياض النضرة: ۲ / ۱۹۸؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی: ۱۱۵.

۴- (۴) - مفتاح السعادة: ۱ / ۴۰۰.

«به خدا سوگند! علی (علیه السلام) در آگاهی به کتاب و سنت، از همه مردم دانشمندتر بود. او برادر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در اسلام و به منزله سر برای اسلام بود. او نسبت به صاحبان اندیشه، اندیشمندتر و عاقل تر بود. او غیرتمندترین افراد بود».

(۱)

۷- ابو سعید خدری

وی می گوید:

«علی (علیه السلام) دانشمندترین اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود».

(۲)

۸- عایشه

وی می گوید:

«علی (علیه السلام) دانشمندترین مردم، به سنت بود».

(۳)

۹- عطا

از عطا سؤال شد:

«آیا در میان اصحاب محمد (صلی الله علیه و آله) دانشمندتر از علی (علیه السلام) وجود داشت؟ گفت: به خدا سوگند! چنین کسی را نمی شناسم».

(۴)

ص: ۸۵

۱- (۱) - جمهره خطب العرب: ۱ / ۲۰۲.

۲- (۲) - فتح الباری، ابن حجر: ۸ / ۱۳۶.

۳- (۳) - الاستیعاب: ۳ / ۴۰؛ الرياض النضرة: ۲ / ۱۹۳؛ مناقب خوارزمی: ۴۵؛ الصواعق المحرقة: ۷۶؛ تاریخ الخلفاء: ۱۱۵.

۴- (۴) - الاستیعاب: ۳ / ۴۰۰؛ الفتوحات الاسلامیه: ۲ / ۳۳۷.

وی می گوید:

«عمر همواره به خدا پناه می برد از مشکلی که ابو الحسن برای بر طرف کردن آن نباشد». (۱)

۱۱- معاویه بن ابی سفیان

وی می گوید:

«هر گاه کاری برای عمر، مشکل و پیچیده می شد، راه حل آن را از علی (علیه السلام) می گرفت». (۲)

مردی نزد معاویه آمد و درباره مسأله ای از او سؤال کرد، معاویه گفت:

«از علی ابن ابی طالب سؤال کن؛ زیرا او دانشمندتر است».

گفت: «ای امیر مؤمنان! جواب تو برای من نیکوتر از جواب علی (علیه السلام) است!».

معاویه گفت: «بد گفتم! تو از مردی بدت می آید که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به او علم بسیار داده و فرموده است:

نسبت تو به من، مانند

ص: ۸۶

۱- (۱) - الاستیعاب، ابن عبد البر (که در حاشیه الاصابه قرار دارد): ۳ / ۳۹؛ صفه الصفوه، ابن جوزی: ۱ / ۱۲۱؛ الاصابه: ۲ / ۵۰۹

۲- (۲) - الرياض النضرة: ۲ / ۱۹۴؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر: ۷۶؛ فیض القدير، مناوی: ۴ / ۳۵۷.

۳- (۲) - الرياض النضرة: ۲ / ۱۹۴؛ مطالب السؤل: ۳۰.

نسبت هارون به موسی است، جز این که بعد از من، پیامبری نخواهد آمد». (۱)

۱۲- سعید بن غفله

وی می گوید:

«بر علی ابن ابی طالب وارد شدم، دیدم نشسته است و در برابر او ظرفی از شیر قرار داشت که بوی ترش بودن آن به مشام می رسید. در دست او یک عدد نان بود که پوست جو در آن نمایان بود؛ گاهی آن را با دست می شکست و اگر شکستنش با دست دشوار می شد، آن را با زانو می شکست و در شیر می انداخت. به من فرمود: نزدیک شو و از این غذای ما بخور. گفتم: من روزه هستم. فرمود: از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: کسی که روزه، او را از غذایی که به آن علاقه مند است، باز دارد، بر خداست که از غذاهای بهشتی به او بخوراند و از نوشیدنیهای بهشتی به او بنوشاند». (۲)

۱۳- ابن عمر

وی می گوید:

ص: ۸۷

۱- (۱) - الرياض النضرة: ۳ / ۱۶۲.

۲- (۲) - كشف الغمّة: ۱ / ۱۶۳.

«علی ابن ابی طالب، دارای سه صفت است که اگر یکی از آنها برای من بود، هر آینه از داشتن طلا برای من بهتر بود: همسری فاطمه (علیها السلام)، دادن پرچم به وی در جنگ خیبر و عمل کردن به آیهٔ نجوا».^(۱)

ص: ۸۸

۱- (۱) - تفسیر ثعالبی: ۲۵۴ (این تفسیر، خطّی می باشد).

اشاره

علاوه بر امتیازات یاد شده امام ویژگیهای دیگری داشت که بهره مند شدن از آنها از الطاف خداوند به آن حضرت بود تا بتواند مسؤولیت و وظیفه خطیر امامت را بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام دهد در ذیل، به این ویژگیها اشاره می شود.

ویژگی اول: مقابله قرآن کریم با دشمنان علی (علیه السلام)

قرآن، از طریق بیان صفات حضرت علی (علیه السلام) و سلوک الهی آن حضرت، مردم را با ایشان مرتبط ساخت؛ زیرا او نجات دهنده مردم از گمراهی است و خطّ الهی او، تمیز دهنده حقّ و باطل است. موضعگیریهای آن حضرت، معیار حق شمرده می شود که به وسیله آن، اعمال (مردم) مورد ارزیابی قرار می گیرد.

بر این اساس، قرآن، رابطه مردم با علی (علیه السلام) را گسترش داده است تا علاوه بر بُعد ذهنی و عقلی، شامل بُعد عاطفی نیز گردد و این روابط گسترده موجب شود که آنان در زیر پرچم آن حضرت گرد آیند و راه و روش او را الگوی خویش قرار دهند.

خداوند در قرآن می فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ . (۱)

«ای پیامبر! بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت)».

ابن عباس می گوید:

«هنگامی که آیه: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ نازل شد، (اصحاب) گفتند: ای رسول خدا! خویشاوندان شما که محبت آنان بر ما واجب شده است، چه کسانی اند؟ فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین».

درست در همان زمانی که قرآن بر وجوب محبت علی (علیه السلام) پافشاری می کند، متعرض دشمنان او می شود و در برابر آنان موضع بسیار سختی می گیرد و آنان را جزء گروه منافقان بر می شمارد؛ زیرا امام، مظهر خداوند در زمین است و مردم به وسیله او مورد آزمایش قرار می گیرند، و جز علی (علیه السلام) کسی نیست که دارای این ویژگیها باشد.

ابن عباس و ابی سعید خدری درباره آیه: وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ؛ (۲) نقل می کنند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

ص: ۹۰

۱- (۱) - شوری (۴۲): ۲۳.

۲- (۲) - الدر المنثور: ۶/۷؛ تفسیر طبری: ۲۵/۱۵-۱۴؛ مستدرک حاکم: ۲/۴۴۴؛ مسند احمد: ۱/۱۹۹؛ الصواعق المحرقة: ۱۲-

۱۱؛ ذخائر العقبی: ۲۵.

۳- (۳) - صافات (۳۷): ۲۴.

«از ولایت علی ابن ابی طالب سؤال می شود». (۱)

ابی سعید خدری درباره آیه شریفه: ... وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ...؛ (۲) می توانی آنان را از طرز سخنانشان بشناسی، می گوید:

«به جهت کینه آنان به علی (علیه السلام)». (۳)

آیه ۳۲ از سوره «محمّد»، اندازه محبت علی (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بیان می کند؛ زیرا این آیه موضعگیری منفی نسبت به علی (علیه السلام) را موضعگیری نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می داند:

... وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى . (۴)

«بعد از روشن شدن هدایت برای آنان، (باز) به مخالفت با رسول (خدا) برخاستند».

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این باره فرمود:

«در کار علی (علیه السلام) (به مخالفت برخاستند)». (۵)

قرآن کریم، در بسیاری از آیات، کسانی را که تقرب علی (علیه السلام) در پیشگاه پیامبر را تکذیب می کنند - آن هم با همان صفات و ویژگیهایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیان کرده بود - مورد هجوم قرار می دهد.

ص: ۹۱

۱- (۱) - الصواعق المحرقة: ۷۹؛ شواهد التنزیل: ۲ / ۱۰۶؛ کفایه الطالب: ۲۴۷.

۲- (۲) - محمّد (۴۷): ۳۰.

۳- (۳) - الدرّ المنثور: ۶ / ۶۶؛ روح المعانی: ۲۶ / ۷۱؛ فتح القدير: ۵ / ۳۹؛ اسد الغابه: ۴ / ۲۹.

۴- (۴) - محمّد (۴۷): ۳۲.

۵- (۵) - تفسیر برهان: ۴ / ۱۸۹.

در تفسیر آمده است که مراد از آیه شریفه: **فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ... (۱)** کسی است که سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درباره علی (علیه السلام) رد کند. (۲)

در آیه دیگر خداوند می فرماید:

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا . (۳)

«و آنان که مردان و زنان با ایمان را به سبب کاری که انجام نداده اند، آزار می دهند، بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند.»

آیه شریفه به افشای ستمگریهای منافقان درباره علی (علیه السلام) و پاکی آن حضرت پرداخته است. در شأن نزول آن آمده است: گروهی از منافقان، علی (علیه السلام) را اذیت می کردند و به او دروغ می بستند. (۴)

از آیه ای دیگر به دست می آید که خداوند از دشمنان علی (علیه السلام) انتقام خواهد گرفت و این می رساند که هر کس با علی (علیه السلام) جنگ کرد، او دشمن خداست:

فَإِنَّمَا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ . (۵)

ص: ۹۲

۱- (۱) - زمر (۳۹): ۳۲.

۲- (۲) - مناقب ابن مردویه؛ کشف الغمّه: ۹۴؛ تفسیر برهان: ۷۶/۴.

۳- (۳) - احزاب (۳۳): ۵۸.

۴- (۴) - تفسیر قرطبی: ۲۴/۴؛ اسباب النزول: ۲۰۷؛ شواهد التنزیل: ۹۳/۲؛ تفسیر خازن: ۵۱۱/۳.

۵- (۵) - زخرف (۴۳): ۴۱.

((هرگاه تو را از میان آنان ببریم، حتماً از آنان انتقام خواهیم گرفت)).

ابن عباس می گوید:

((این آیه درباره علی (علیه السلام) است)). (۱)

ابی عبد الله جدلی می گوید:

((علی (علیه السلام) به من گفت: آیا تو را آگاه نکنم از کار نیکی که هر کس آن را انجام دهد، خداوند او را وارد بهشت کند و از گناهی که هر کس آن را انجام دهد، خداوند او را با صورت داخل آتش سازد و هیچ عملی را از او نپذیرد؟ گفتم: بلی. آنگاه حضرت این آیات را خواند:

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ * وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَاهِلٌ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ . (۲)

«کسانی که کار نیکی انجام دهند، پاداشی بهتر از آن خواهند داشت و آنان از وحشت آن روز در امانند و آنان که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می شوند؛ آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید، خواهید داشت؟».

سپس فرمود: ای اباعبدالله! کار نیک، دوستی ما و کار بد، کینه ماست. (۳)

ص: ۹۳

۱- (۱) - الدرّ المنثور: ۶/ ۱۸؛ ینایع الموده: ۹۸؛ شواهد التنزیل: ۲/ ۱۵۱؛ مناقب ابن مغزلی: ۲۷۴.

۲- (۲) - نمل (۲۷): ۹۰ - ۸۹.

۳- (۳) - خصائص الوحی المبین، ابن بطریق حلّی: ۲۱۷.

علاوه بر این، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز به مقابله با دشمنان علی (علیه السلام) بر خاست. در برخی از روایات، پیامبر (صلی الله علیه و آله) مردم را به دو گروه: «دوستان علی (علیه السلام)» و «دشمنان او» تقسیم می کند. این روایات بین دوستان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) جدایی نیفکنده است بلکه ایمان، دوستی هر دوی آنان است؛ زیرا رسالت آنان یکی است.

در مسند احمد با چند سند آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«هر کس علی (علیه السلام) را آزار دهد، مرا آزار داده است». (۱)

همچنین فرمود:

«ای مردم! هر کس علی را اذیت کند، روز قیامت، یهودی، یا مسیحی محشور می شود». (۲)

و نیز آمده است:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای علی! جز مؤمن، تو را دوست نمی دارد و جز منافق با تو دشمنی نمی کند». (۳)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حالی که به امیر مؤمنان اشاره می کرد، فرمود:

«ای مردم! فرزندان خود را با دوستی او آزمایش کنید؛ زیرا علی (علیه السلام) دعوت به گمراهی نمی کند و از هدایت، دور نمی نماید؛ هر

ص: ۹۴

۱- (۱) - مسند احمد: ۳/ ۴۸۳؛ ذخائر العقبی: ۶۵؛ الصواعق المحرقة: ۷۳.

۲- (۲) - میزان الاعتدال: ۳/ ۱۵۱؛ لسان المیزان: ۳/ ۹۰ و ۴/ ۲۵۱؛ ارجح المطالب: ۱۱۹؛ ینابیع المودّه: ۲۵۱.

۳- (۳) - مسند احمد: ۱/ ۱۲۸ و ۸۴، ۹۵؛ صحیح مسلم: ۳۹؛ التاج الجامع للاصول: ۳/ ۳۳۵؛ صحیح ترمذی: ۲/ ۳۰۱؛ سنن نسائی:

۲/ ۲۷۱؛ خصائص نسائی: ۲۷؛ ذخائر العقبی: ۴۳؛ تاریخ الخلفاء: ۱۷۰؛ الصواعق المحرقة: ۷۴.

کس او را دوست بدارد، از شماست و هر کس او را دشمن بدارد، از شما نیست). (۱)

ویژگی دوم: آینده نگری پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به پشتیبانی از خط امامت

پیامبر (صلی الله علیه و آله) اهمیت نقش امام علی (علیه السلام) را در اذهان مسلمانان روشن ساخت. آن حضرت، بر ضرورت حمایت از خط او و لزوم تمسک به آن، تأکید می کرد و آن را موجب نجات مسلمانان می دانست که آنان را از افتادن در لغزشگاه های گمراهی و انحراف، مصون می سازد؛ از این رو، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به عمار می گوید:

«در آینده نزدیک بعد از من، در امتم اختلاف به وجود می آید و شمشیر میان آنان رد و بدل می شود. آنان همدیگر را می کشند و برخی از برخی دیگر تبری می جویند... ای عمار! کسی که شمشیری را حمایل کند و به وسیله آن علی (علیه السلام) را بر دشمنش یاری دهد، خداوند در روز قیامت، آن را با دو رشته از مروارید، حمایل کند. و کسی که شمشیری را حمایل کند و دشمن او را یاری دهد، خداوند با دو رشته از آتش، آن را حمایل کند. اگر آن زمان را دیدی، بر تو باد به این شخصی که در سمت راست من قرار دارد و منظورش علی (علیه السلام) بود». (۲)

ص: ۹۵

۱- (۱) - ترجمه الامام علی از تاریخ دمشق: ۲ / ۷۳۰ و ۲۲۵.

۲- (۲) - ینابیع المودّه: ۱۲۸؛ اسد الغابه، ابن اثیر: ۵ / ۲۸۷؛ کنز العمال: ۶ / ۱۵۵؛ تاریخ بغداد: ۳ / ۱۸۶؛ مجمع الزوائد: ۶ / ۳۲۶؛ فضائل الخمسه من الصحاح الستة: ۲ / ۳۹۷.

قرآن کریم، به گرفتاری مسلمانان بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره کرده است. گرفتاریهایی که موجب پراکندگی امت اسلامی و اختلاف آنان می شود و گروه های زیادی به جدال و جنگ با یکدیگر می پردازند. همه آنان وارد آتش می شوند و تنها پیروان علی (علیه السلام) نجات می یابند. امام علی (علیه السلام) با این ویژگی، بالاترین فضیلت را بر دیگر مسلمانان دارد.

خداوند می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا... (۱)

(«کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دسته های گوناگون تقسیم شدند».)

زاذان ابو عمر می گوید:

«حضرت علی (علیه السلام) به من گفت: ابا عمر! آیا می دانی یهود چند فرقه بودند؟ گفتم: خدا و پیامبرش آگاهند. فرمود: به ۷۱ فرقه تقسیم شدند؛ همه آنان در آتش اند، جز یک فرقه که نجات می یابد. آیا می دانی این امت چند فرقه می شوند؟ گفتم: خدا و پیامبرش می دانند. آیا می دانی که در باره من، چند فرقه می شوند؟ گفتم: آیا درباره شما تقسیم می شوند؟ فرمود: بلی، درباره من دوازده فرقه می شوند؛ همه در آتش اند، جز یک فرقه که نجات می یابد. ای ابا عمر! تو از آنان هستی» (۲).

ص: ۹۶

۱- (۱) - انعام: ۱۵۹.

۲- (۲) - خصائص الوحی المبین، ابن بطریق: ۲۱۴؛ تاریخ دمشق: ۴/۱۸.

خداوند می فرماید:

فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ . (۱)

«اگر نمی دانید، از آگاهان پرسید.»

آیه شریفه تأکید می کند که بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی که کارها بر مردم مشتبه گردد و مشکلات و گرفتاریها به آنان روی آورد و آنان توانایی شناخت صحیح ابهامات جدید را نداشته باشند، باید به حضرت علی (علیه السلام) مراجعه کنند.

در تفسیر آیه شریفه از جابر جعفی نقل شده است:

«هنگامی که آیه: فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ نازل گشت، علی (علیه السلام) فرمود: اهل ذکر ما هستیم.» (۲)

بنابراین، علی (علیه السلام) امام و پیشوای فرقه اهل نجات است و او آموزگار اصحاب پیامبر (علیه السلام) است تا مبادا بدون آگاهی، به فرقه های گمراه بپیوندند.

ابی سعید خدری می گوید:

«در انتظار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بودیم. ایشان از خانه یکی از همسرانش خارج شد، به همراه او برخاستیم و ناگهان کفشش پاره شد. علی (علیه السلام) ماند، تا آن را وصله بزند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حرکت کرد، ما نیز

ص: ۹۷

۱- (۱) - النحل (۱۶): ۴۳.

۲- (۲) - تفسیر طبری: ۵/۱۷.

همراه او حرکت کردیم. سپس منتظر علی (علیه السلام) شد، ما نیز به انتظار ایستادیم. حضرت فرمود: کسی از شما بر تأویل این قرآن جنگ می کند، مانند من که بر تنزیل آن جنگیدم. همه گردن برافراشتیم تا ببینیم که آیا آن شخص ما هستیم؟ و در میان ما ابو بکر و عمر هم بودند اما پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: نه، آن شخص وصله زنده کفش است. ابی سعید می گوید: آمدیم که به علی (علیه السلام) بشارت دهیم، گویا خبر را شنیده بود. و در سند دیگری آمده است: با بشارت ما سرش را بلند نکرد، گویا سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) را شنیده بود». (۱)

و به جهت این که خط امام علی (علیه السلام) کاملاً از خطوط دیگر مشخص شود و دلیل و حجت برای مخالفان کامل گردد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عمار که از دوستان و یاران حضرت علی (علیه السلام) بود، فرمود:

«تو را گروه ستمگر می کشند».

عکرمه می گوید:

«ابن عباس به او و فرزندش علی گفت: نزد ابی سعید خدری بروید و احادیث او را بشنوید. آنان رفتند و او را در باغش یافتند. هنگامی که ما را دید، عبایش را برداشت و به سوی ما آمد و نشست. با ما سخن می گفت، تا صحبت به ساختن مسجد رسید. گفت: ما در ساختن مسجد، خشته‌ها را یکی یکی بلند می کردیم اما عمار بن یاسر دوتا دوتا بلند می کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را دید، خاک را از او تکاند و فرمود: ای عمار! چرا مانند دوستانت یک خشت بلند نمی کنی؟ عمار گفت: من از خدا پاداش می خواهم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) شروع

ص: ۹۸

۱- (۱) - مسند احمد بن حنبل: ۳/ ۸۳؛ حلیه الأولیاء، ابی نعیم: ۱/ ۶۷؛ اسد الغابه، ابن اثیر: ۳/ ۲۸۳.

کرد به تکاندن خاک از او و فرمود: دلها بسوزد برای عمار! گروه ستمگر او را می کشند. او آنان را به بهشت دعوت می کند و آنان او را به آتش دعوت می کنند. عمار گفت: از فتنه ها به خدا پناه می برم». (۱)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) با سخنان خود دربارهٔ حوادث آینده از اتحاد و یکی بودن خط امام علی (علیه السلام) و خط خویش پرده بر می دارد و این که خط امام علی (علیه السلام) استمرار خط او می باشد و پیروی از خط وی، موجب مصونیت امت اسلامی، از دعوت‌های گمراه کننده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از زیانهای حرکت خوارج و دشمنی آنان نسبت به علی (علیه السلام) مسلمانان را بر حذر داشته و با این هشدار، خط امامت و پیشوایی علی (علیه السلام) را ترسیم فرموده است.

ابی سعید خدری می گوید:

«نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودیم و آن حضرت غنایم جنگ را تقسیم می کرد. ذو الخویصره - که مردی از بنی تمیم بود - نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: ای رسول خدا! به عدالت تقسیم کن. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: وای بر تو! اگر من به عدالت تقسیم نکنم، پس چه کسی چنین خواهد کرد؟ نا امید گردی و زیان کنی، اگر من به عدالت تقسیم نکنم.»

عمر گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می دهی گردن او را بزنم؟ فرمود: رهایش کن، او دوستانی دارد که نماز تو در مقایسه با نمازهای آنان و روزه تو در مقایسه با روزه هایشان کوچک شمرده

ص: ۹۹

۱- (۱) - صحیح بخاری، کتاب الصلاة؛ صحیح مسلم، کتاب الفتن؛ صحیح ترمذی، در مناقب عمار؛ مستدرک الصحیحین: ۱۲/ ۱۴۸؛ مسند احمد: ۳/ ۵۱۶، ح ۱۱۴۵۱؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی: ۱۳/ ۶۱۸.

می شود. قرآن را تلاوت می کنند که از دهانهای آنان تجاوز نمی کند. آنان از دین خارج می شوند؛ چنان که تیر از کمان خارج می شود... حجّت آنان، مرد سیاهی است که روی یکی از بازوانش تگّه گوشتی مانند پستان زن است، اینان بر بهترین گروه از مردم، خروج می کنند».

ابو سعید می گوید:

«گواهی می دهم که این حدیث را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم و گواهی می دهم که علی ابن ابی طالب با آنان جنگید و من با او بودم. آن حضرت فرمان داد تا ذو الخویصره را پیدا کرده و به حضورش بیاورند. من به او نگاه کردم، دیدم وی بر همان اوصافی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیان کرده بود».^(۱)

روایات دیگری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که جهت گیری آنها حمایت و پشتیبانی مطلق از حضرت علی (علیه السلام) است. این روایات افضلیت و برتری امام را بر دیگران - چه کسانی که در زمان او بودند و چه کسانی که بعدها خواهند آمد - اثبات می کند.

همچنین این روایات، بیان می کند که راه و روش امام و موضعگیریهای آن حضرت، تصمیمات آنی نیست که در شرایط دیگر از آنها بی نیاز باشیم. او به حقّ، چنگ زد و ارتباط او با حقّ، اتحاد مفهوم با مصداق است.

ص: ۱۰۰

۱- (۱) - صحیح بخاری، کتاب بدء الخلق؛ خصائص نسائی: ۱۳۷؛ میزان الاعتدال ذهبی: ۲/ ۲۶۳.

ثابت؛ خادم ابوذر می گوید:

«بر امّ سلمه، همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شدم، دیدم گریان است و علی (علیه السلام) را یاد می کند. گفت: شنیدم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمود: علی (علیه السلام) همراه حقّ است و حقّ، همراه علی است؛ آن دو از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در حوض بر من وارد شوند». (۱)

با سندهای گوناگون از پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شده است که فرمود:

«علی از من است و من از علی، او ولی هر مؤمن بعد از من است. از طرف من ادا نکند (حقّی را) جز من یا علی». (۲)

ویژگی سوّم: اخبار غیبی و کرامات امام علی (علیه السلام)

۱- امام به جهت برخورداری از «علم غیب»، بر صحابه فضیلت پیدا کرد. خبر دادن آن حضرت از حوادث آینده که بعدها به وقوع پیوست، فضیلت آشکاری را برای وی اثبات کرد؛ خبر دادن از آباد شدن بغداد، سلطنت خاندان عباسی، ذکر احوال آنان و منقرض شدن ایشان به وسیله مغولها.

حضرت می فرماید:

ص: ۱۰۱

۱- (۱) - تاریخ بغداد/ خطیب بغدادی: ۱۴ / ۳۲۱؛ مستدرک حاکم: ۳ / ۱۲۴؛ صحیح ترمذی: ۲ / ۲۹۸.

۲- (۲) - مسند احمد: ۴ / ۱۶۵-۱۶۴ (با پنج سند)؛ خصائص نسائی: ۲۰-۱۹ (با دو سند)؛ صحیح بخاری: ۳ / ۲۲۹؛ الصواعق المحرقة: ۷۴؛ سنن بیهقی: ۸ / ۵.

«تو چه می دانی زورا (بغداد) چیست؟ این سرزمین دارای درخت شوره گزاست. ساختمانها در آن مرتفع گردد و پر جمعیت شود. خاندان عباسی آن را وطن (استراحتگاه) خویش قرار می دهند و برای رسیدن به دلخوشی های دنیا آن را به عنوان مسکن برگزینند. زورا برای آنان خانه لهُو و لعب خواهد بود. ستمگران، حاکمان گناهکار، قاریان فاسق و وزیران خائن در آن جا خواهند بود و ایرانیان و رومیان، به آنان خدمت خواهند کرد. اگر معروف را شناختند، همدیگر را به آن امر نمی کنند و اگر زشتی کاری را شناختند، از آن باز نمی دارند...» (۱)

۱- مردی نزد امیر المؤمنین علی (علیه السلام) آمد و گفت:

«ای امیر مؤمنان! من از وادی القری گذشتم، مطلع شدم که خالد بن عرفطه مرده پس برای او استغفار کن.»

حضرت فرمود: «او نمرده و نمی میرد تا لشکر گمراهی را فرماندهی کند که پرچمدار آن حبیب بن جماز خواهد بود.»

مردی از پایین منبر برخاست و گفت: ((ای امیر مؤمنان! من از شیعیان و دوستان شما هستم)).

حضرت فرمود: «تو چه کسی هستی؟».

گفت: «من حبیب بن جماز هستم.»

ص: ۱۰۲

حضرت فرمود: «مبادا آن را به دوش گیری! اما آن را به دوش می گیری و از این در وارد می شوی و با دست خویش به باب الفیل اشاره کرد».

بعد از شهادت امام علی و امام حسن (علیهما السلام) زمانی که امام حسین (علیه السلام) به کربلا آمد، عیید الله بن زیاد، عمر بن سعد را به سوی آن حضرت فرستاد. خالد بن عرفطه از فرماندهان پیش قراول ابن سعد بود که حبیب بن جمار پرچمدار او بود و از باب الفیل وارد مسجد شد [و پیشگویی امام (علیه السلام) تحقق یافت]. (۱)

۲- هنگامی که امام علی (علیه السلام) و یارانش به سوی صفین برای جنگ با معاویه می رفتند، به سرزمین کربلا رسیدند. آن حضرت در کناری ایستاد، سپس به چپ و راست نگاه کرد و فرمود:

«به خدا سوگند! این سرزمین، محلّ فرود آمدن سوارانشان و جایگاه برانگیخته شدن آنان خواهد بود و بسیار گریه کرد».

از او سؤال شد: «ای امیر مؤمنان! این چه جایگاهی است؟ و اینان چه کسانی اند؟».

فرمود: «این جا کربلاست؛ گروهی از خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) از روی ظلم و دشمنی، در آن کشته می شوند و عده ای نیز با آنان هستند و بدون حساب وارد بهشت می گردند».

ص: ۱۰۳

۱- (۱) - کشف الیقین: ۷۹؛ ارشاد القلوب: ۳۴ / ۲؛ نهج الحق: ۲۴۳؛ مناقب ابن شهر آشوب: ۲ / ۲۷۰؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۲ / ۲۸۷.

سپس حضرت حرکت کرد و مردم حقیقت گفتار او را نشناختند تا آنگاه که امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید. (۱)

۳- هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) برای جنگ با نهروانیان خارج شد، مردی از پیش قراولان لشکر آن حضرت به سوی او آمد و گفت:

«ای امیر مؤمنان! بشارت!».

حضرت فرمود: «بشارت تو چیست؟».

گفت: «خوارج، وقتی خبر رسیدن شما را شنیدند، از رود عبور کردند. بشارت باد به شما که خداوند بازوان آنان را به شما بخشید!».

حضرت فرمود: «تو خودت دیدی که از رود گذشتند؟».

گفت: «بله».

حضرت او را سه بار قسم داد و او در هر دفعه می گفت: «بلی».

حضرت فرمود: «به خدا سوگند! نه عبور کردند و نه عبور می کنند؛ قتلگاه آنان این طرف رود است. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید! آنان به درختان شوره گز و کاخ بوازن نمی رسند تا این که خداوند آنان را می کشد. همانا کسی که افترا بنهد، نا امید شود».

ص: ۱۰۴

آنگاه سواری دیگر به سوی حضرت آمد و سخنش مانند سخن اولی بود. امام به گفتار او اعتنایی نکرد. سواران همه دوان دوان می آمدند و مانند قبلی گزارش می دادند، اما حضرت فرمود: «از آنان کمتر از ده نفر باقی خواهد ماند و از اصحابم کمتر از ده نفر کشته می شوند».

حضرت علی (علیه السلام) برخاست و سوار بر اسبش گردید. جوانی از لشکرش گفت: «به خدا سوگند! هر آینه همراه او خواهم بود، اگر آنان از رود عبور کرده بودند، نوک این نیزه را در چشم او خواهم کرد. آیا او ادّعی علم غیب می کند؟!».

هنگامی که آنان به رود رسیدند، خوارج را دیدند که غلافهای شمشیرها را شکسته و مرکبهای خود را پی کرده اند! آنان بر زانوهای خویش نشستند و همه با فریادهای بلند، یک چیز می گفتند. آن جوان از مرکبش پایین آمد و عرض کرد: «ای امیر مؤمنان! من مدّتی پیش در باره شما شک کردم و حال به سوی خدا و شما توبه می کنم، مرا ببخش».

علی (علیه السلام) فرمود:

«تنها خداوند است که گناهان را می بخشد، از او طلب آمرزش کن.» (۱)

۴- اسماعیل بن رجا می گوید:

ص: ۱۰۵

۱- (۱) - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۲/ ۲۱۷؛ کشف الغمّه، باب المناقب: ۱/ ۳۷۵.

«علی (علیه السلام) سخنرانی می کرد و از فتنه ها و جنگ های خونین می گفت. جوانی به نام اعشی باهله (عامر بن حارث)، برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! این سخن تو به خرافات شباهت دارد!

علی (علیه السلام) فرمود: ای جوان! اگر در گفتارت گناهکار باشی، خداوند تو را به وسیله تیر جوانی از قبیله ثقیف از بین ببرد، آنگاه ساکت شد. گروهی پرسیدند: ای امیر مؤمنان! جوان ثقیف کیست؟ فرمود: جوانی است که فرمانروای شهر شما می شود. از هتک هر نوع حرمت الهی، فرو گذاری نمی کند و با شمشیرش گردن این جوان را می زند. گفتند: ای امیر مؤمنان! چند سال فرمانروایی می کند؟ فرمود: بیست سال اگر به آن برسد. گفتند: آیا او را می کشند، یا به مرگ طبیعی می میرد؟ فرمود: به وسیله درد شکم با مرگ طبیعی می میرد. تختش را سوراخ می کند به جهت زیادی آنچه از شکمش خارج می شود.

اسماعیل بن رجا می گوید: «به خدا سوگند! به چشم خود اعشی باهله را دیدم که همراه با تعدادی از لشکریان عبد الرحمان بن محمد بن اشعث، اسیر شده بود. او را مقابل حجاج حاضر کردند، حجاج او را ملامت و سرزنش کرد، و در باره شعری که به وسیله آن عبد الرحمان را به جنگ تشویق می کرد، از او سؤال نمود، سپس در همان مجلس گردن او را زد».^(۱)

ص: ۱۰۶

فخر رازی در باره کرامات علی (علیه السلام) در ذیل آیه: *أَمْ حَسِبْتَ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا*؛ (۱) آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟، می نویسد:

«روایت شده است غلام سیاهی که یکی از دوستان اران علی (علیه السلام) بود، دزدی کرد. او را نزد علی (علیه السلام) آوردند. به او گفت: آیا دزدی کردی؟ گفت: بلی. حضرت دست او را برید.

او، از پیش علی (علیه السلام) رفت. سلمان فارسی و ابن الکوا در راه با او ملاقات کردند. ابن الکوا پرسید: چه کسی دست تو را قطع کرد؟ گفت: امیر مؤمنان، فرمانروای مسلمانان، داماد پیامبر و همسر بتول! ابن الکوا پرسید: دستت را بریده و تو او را ستایش می کنی؟ گفت: چگونه او را ستایش نکنم، در حالی که به حق، دستم را برید و مرا از آتش رها ساخت. سلمان سخن او را شنید و علی (علیه السلام) را آگاه ساخت. آن حضرت، او را خواست و دستش را بر بازویش گذاشت و آن را با حوله ای پوشاند و دعا کرد. آنگاه صدایی از آسمان شنیدیم: پارچه را از دست او بردار، آن را برداشتم، دست او به اذن خدا و لطف نیکوی او خوب شده بود). (۲)

ابوذر می گوید:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) مرا فرستاد تا علی (علیه السلام) را فرا بخوانم، به خانه آن حضرت آمدم و او را صدا زدم، جواب نداد. برگشتم و رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

ص: ۱۰۷

۱- (۱) - کهف (۱۸): ۹.

۲- (۲) - التفسیر الکبیر، فخر رازی: ۸۸ / ۲۱.

را آگاه ساختم. پیامبر(صلی الله علیه و آله) به من گفت: برگرد و او را بخوان که او در خانه است. برگشتم تا او را صدا بزنم، صدای سنگ آسیا را شنیدم. وقتی نزدیک شدم، دیدم که سنگ آسیا کار می کند، ولی کسی کنار آن نمی باشد. علی(علیه السلام) را صدا زدم، با روی گشاده خارج شد. گفتم: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شما را می خواند. آمد و من همواره به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نگاه می کردم و او به من نگاه می کرد. سپس فرمود: ای ابوذر! تو را چه شده است؟ گفتم: ای رسول خدا! شگفتی ای از شگفتیها دیدم؛ سنگ آسیا در خانه علی(علیه السلام) کار می کرد و کسی کنار آن نبود! فرمود: ای ابذر! خداوند فرشتگان گردشگری در زمین دارد که انجام کارهای آل محمد(صلی الله علیه و آله) به آنان واگذار شده است». (۱)

خلاصه بحث

ویژگیها، فداکاریها و خدمات علی(علیه السلام) آثار بسیار نیکویی بر صحابه داشت؛ به صورتی که در کتابهای تفسیر، تاریخ و حدیث، موارد فراوانی یافت می شود که اصحاب، تصریح به افضلیت و برتری او دارند.

امام علی(علیه السلام) با سلوک ایمانی و توان علمی، جهادی و اخلاقی خویش، آنچه را که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در رسالت خویش برنامه ریزی کرده

ص: ۱۰۸

بود، عیبت بخشید. آن حضرت بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمونه عالی عمل به اهداف رسالت بود، در حالی که بقیه از آن عاجز بودند.

موارد فراوانی ذکر شد که قرآن کریم در آیات خویش و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سخنانش، به فضل و برتری علی (علیه السلام) گواهی داده اند.

آن حضرت، مرجع اصحاب در حلّ مشکلات و بر طرف کردن سختیها بود و بنابر آنچه گذشت، ثابت می شود که علی (علیه السلام) در همه موارد، از اصحاب برتر است.

ص: ۱۰۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

